



... فهرست ...

- فرهنگی**
- ۲ ان‌شالله امام حسین (علیه السلام) به فریادتان برسد
 - ۳ زیر تیغ زیبایی
 - ۴ حقوق متقابل من و تو
- معرفت**
- ۵ صهیونیسم مسیحی قوم برگزیده می‌شود
 - ۶ به عمل کار برآید
 - ۷ پای درس الرحمن
- سلامت**
- ۸ توصیه‌هایی برای روزه داری در ایام امتحانات
- ادبیات**
- ۹ نعل وارونه
- دانشگاه ما**
- ۱۰ پایان نامه‌ی یک رو یا دو رو، مسئله این است!
 - ۱۱ اخبار دانشگاه
 - ۱۲ ذره بین

سیر آغاز

سیامک شادکام

مانیفست انقلاب

اگر نگاهی به بیانات مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف ایشان با اقشار مختلف مردم، کارگزاران و هیأت‌های خارجی ببیندیم به این نکته پی می‌بریم که سخنرانی ایشان در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید بتوان خیلی صریح به این نکته اشاره کرد که مجموعه این سخنرانی‌ها در واقع مانیفست انقلاب اسلامی می‌باشد. مانیفستی که می‌توان نقشه راه انقلاب اسلامی و وظیفه هر کدام از ما را در آن پیدا کرد. ایشان در مقاطع مختلف، ناظر به شرایط سیاسی، فرهنگی روز بر روی برخی کلید واژه‌ها تأکید بیشتری داشته‌اند. مثلاً در زمان فتنه ۸۸ ایشان در سخنرانی‌های متعدد خود به تبیین و مفهوم بصیرت پرداخته و برای بسیاری چراغ راه شناخت حق و باطل شد. اما اکنون رهبر معظم انقلاب در یکی دو ساله اخیر بیشتر بر روی مفهوم انقلابی و انقلابی‌گری تمرکز کرده و به تبیین مؤلفه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. ایشان در سخنرانی اخیر خود در حرم امام خمینی (ره) فرمودند: «انقلاب مال همه است، انقلاب یک شط جاری است... و همه می‌توانند انقلابی باشند... همه انقلابی باشند تا بتوانیم در این راه، "دستیابی به اهداف انقلاب" را با موفقیت پیش ببریم». شاخص‌ها و معیارهایی که مقام معظم رهبری برای انقلابی‌گری برشمرند، مطلبی نیست که در گذر زمان و یا عبور از مقطعی به مقطع دیگر، ارزش و رونق بیفتند. بلکه همیشه می‌تواند به عنوان یک چراغ راه برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. امیدواریم که مسئولان کشور، اقشار مختلف مردم و ما دانشجویان توجه بیشتری به سخنان این رهبر فرزانه داشته باشیم که در این صورت آینده‌ی روشن در انتظار ایران اسلامی خواهد بود. ان‌شالله



ویژگی‌های دانشجویان تربیت مدرس از نگاه دکتر احمدی انگیزه قوی، هدفمندی و روحیه جستجوگری

صفحه ۱۱

توصیه‌هایی برای روزه داری در ایام امتحانات
صفحه ۸

صهیونیسم مسیحی قوم برگزیده می‌شود
صفحه ۵

جراحی زیبایی؛ درد یا درمان
صفحه ۳

امروز دنیا محتاج قرآن است؛ امروز دنیا در خلأ معنوی و فکری است. اینکه شما می‌بینید قتل و جنایت در دنیای غرب روز به روز زیاد می‌شود به این خاطر است. اگر چنانچه رشحه‌ای از رشحات قرآن با بیان متناسب امروز فرستاده بشود دل‌ها جذب می‌شود قرآن در دنیای امروز می‌تواند فعال ما باشد و ابر قدرت‌ها و رژیم صهیونیستی هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

حضور هیأتی دانشگاهی از کشور ایتالیا در دانشگاه



کنار هم می‌تواند ظرفیت عظیمی را برای بشریت به وجود بیاورد و ما باید برای آن تلاش کنیم. وی خاطر نشان کرد: ظرفیت‌های خوبی هم در ایران و هم در ایتالیا در حوزه‌های مختلف علوم و مهندسی وجود دارد که باید این زمینه‌ها را خوب بشناسیم تا بتوانیم آنها را در کنار یکدیگر قرار دهیم و به نتیجه مطلوب دست یابیم. در پایان پیش نویس تفاهم نامه همکاری طرفین از سوی دانشگاه به هیأت ایتالیایی داده شد تا در صورت توافق، تفاهم نامه همکاری مشترک منعقد گردد.

امام خمینی (ره) جلوه‌ای از یک انسان کامل در عصر معاصر بود



مرگ بر آمریکا مطرح می‌شود باید توجه داشته باشیم که منظور از مرگ بر آمریکا، مرگ بر ملت آمریکا نیست بلکه مرگ بر سیاست‌های دولت‌های حاکم بر آمریکا است که موجبات ظلم و خونریزی در اقصی نقاط جهان بوده است. دکتر علی فلاح رفیع در پایان با اشاره به تداوم راه حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) در سایه رهنمودهای مقام معظم رهبری، گفتند: خداوند را شاکریم که کشور و امت عزیز ایران اسلامی از چنین رهبری فرزانه برخوردار است که به حق جانشین خلف آن بزرگوارند، و امیدواریم که خداوند به ایشان طول عمر دهد تا موجب برکت هر چه بیشتر برای عموم مسلمین جهان باشند.

در مراسم سالگرد رحلت جانسوز بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس طی سخنرانی که در مسجد قدس این دانشگاه ایراد داشتند از حضرت امام (ره) به عنوان انسان کاملی یاد کردند که به همه جوانب زندگی اعم از دنیوی و اخروی آن توجه داشتند به طوری که ایشان در بحرانی‌ترین شرایط هم از یاد خدا غافل نبودند و در همه حال نسبت به نماز اول وقت اهتمام می‌ورزیدند. ایشان در ادامه به ذکر صفات برجسته امام راحل (ره) پرداخته و افزودند: امام هم مرد دیانت بود و هم مرد سیاست، زمانی که بحث استکبار ستیزی و شعار



نامه‌ای خطاب به خانم صدر

ان شالله امام حسین (علیه السلام) به فریادتان برسد

ایستگاه



زهرا حمیدی سوها
دانشجوی کارشناسی ارشد
مطالعات زنان
دانشگاه تربیت مدرس



سلام خانم صدرا!

من یک زن مسلمان ایرانی هستم که در یک نقطه با شما اشتراک دارد و آن این است که ما هر دو خود را مدافع حقوق زنان می‌دانیم. اما جالب اینجاست که در عین این اشتراک باالواقع دو سر یک طیف هستیم! چرا که من اینجا با استفاده از اصول اصیل اسلامی به دفاع از زنان برمی‌خیزم و گام‌هایی هر چند کوچک اما علمی و تاثیرگذار برمی‌دارم و شما آن سوی دیگر این جهان پهناور با زدودن تقدسات دین اسلام این داعیه را از نظر خودتان برآورده می‌سازید. من اینجا قلباً از کسی مدد می‌گیرم که جنابعالی نام مقدس او را در نظر خودتان تا پایین‌ترین حد ممکن کوچک ساختید. می‌گویم در نظر خودتان چرا که حتی خود شما هم خوب می‌دانید که رفتارهای ناپسند این چنینی بر روی من و امثال من، بر روی مسیحیانی که به عشق او با پای پیاده مسیر کربلا را طی می‌کردند، بر روی همسایه‌ی غیرمسلمان ما که تنها یک قاشق از غذای نذری ایشان را همانند کیمیایی شفابخش درون غذایش می‌ریخت، بر روی دل‌هزاران مادری که هر ساله لباس علی اصغر را به تن فرزندانشان می‌کنند، بر روی شفا یافتگانی که عشق او را با هیچ چیز دیگری در این دنیا عوض نمی‌کنند و بر روی کنه وجود تاریخ بشر که هر ساله روز عاشورا را به تصویر می‌کشد هیچ گونه تاثیری ندارد و نخواهد داشت جز اینکه ما را مطمئن تر می‌سازد که او همان اسطوره‌ایست که عمل فداکارانه‌اش هنوز هم که هنوز است دل‌ستمگران و مفسدان فی‌الارض را به درد می‌آورد. جالب نیست که حتی شما هم که فرار از وطن را به قرار در آن ترجیح دادید و به اصطلاح غربی شدید هنوز هم او را به خاطر دارید؟! جالب نیست که شما هم می‌دانستید

که اگر حتی نام او در کنار تصویر شما باشد هزاران چشم را به خود جلب می‌نماید... آری جالب است حداقل برای من که نمی‌خواهم بدی کار شما را با بدی دیگری جایگزین سازم و به شما بی‌احترامی کنم چرا که پروردگارم به من آموخته است: «ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم؛ (معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبدا آنها (نیست) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند»^۱ و مولایم به من خاطر نشان کرده است که هر کس ولی خدا را دشنام دهد گویی خدا را دشنام داده است.^۲ اما دروغ چرا! عمل شما گلویم را به شدت به هم فشرد و بغضی عمیق در آن جاری ساخت نه برای سیدالشهدا چرا که او به کسی که قصد بریدن سرش را هم داشت عطف می‌ورزید و به ایمان آوردن راستین وی امیدوار بود بلکه برای شما؛ شمایی که مدرنیته‌ی محبوبتان همچون دخترکان عرب زنده به گورتان ساخته است! آری شما زنده‌اید و اصلاً شبیه افرادی نیستید که زنده زنده خاک روی سرشان ریخته می‌شود اما واقعیت این است که شما در گور خودباختگی و ظاهر فریبی مدت‌هاست که دفن شده‌اید، شما همان زمانی زنده به گور شدید که از عمل شنیع همجنس‌گرایی دفاع کردید همان زمانی که جایزه‌ی زن شجاع را در دست فشردید و همان زمانی که این عکس اهانت آمیز را گرفتید. دلم برایتان می‌سوزد که چگونه خواهید توانست رنج این کار را تا آن زمان که ظاهراً زنده‌اید به دوش بگیرید. بگذریم... راستی نقلی از شما خواندم که گفته بودید تقدس زدایی خاصیت عصر مدرن است. سوالی داشتم که ممنون می‌شوم بدان پاسخ دهید و آن اینکه آیا آموزگاران غربی و صهیونیستی شما با مقدسات خود نیز چنین می‌کنند؟! یا خیر از آنان همچون گنجینه‌های گرانبها و با آنکه عقلاً نیز صحیح نمی‌پندارندشان با احترام بساد می‌کنند و اجازة‌ی توهین به ذات آنان را در قانونشان همچون جرمی مهیب تلقی می‌نمایند؟! دیگر اینکه چرا تیر آنها تنها و تنها دین اسلام را نشانه می‌رود؟ معلوم است که شما دانش آموز باذکاوتی نیستید و هرآنچه آنان می‌گویند

راستی نقلی از شما خواندم که گفته بودید تقدس زدایی خاصیت عصر مدرن است. سوالی داشتم که ممنون می‌شوم بدان پاسخ دهید و آن اینکه آیا آموزگاران غربی و صهیونیستی شما با مقدسات خود نیز چنین می‌کنند؟! یا خیر از آنان همچون گنجینه‌های گرانبها و با آنکه عقلاً نیز صحیح نمی‌پندارندشان با احترام یاد می‌کنند و اجازة‌ی توهین به ذات آنان را در قانونشان همچون جرمی مهیب تلقی می‌نمایند؟! دیگر اینکه چرا تیر آنها تنها و تنها دین اسلام را نشانه می‌رود؟ معلوم است که شما دانش آموز باذکاوتی نیستید و هرآنچه آنان می‌گویند بدون اندکی تعقل به گوش جان می‌سپارید.



بدون اندکی تعقل به گوش جان می‌سپارید. تا این مطلب یادم نرفته است بگویم که شنیده‌ام که شما مدافع حقوق بشر هم هستید و بارها به همین علت جوایزی به نظر ارزنده نیز دریافت نمودید! آیا این مورد برآستی حقیقت دارد؟! مگر مدافعان حقوق بشر برای مقدسات دیگری ارزش قائل نبودند؟ پس شما چطور می‌خواهید به این تناقض پاسخ دهید؟ آخر نمی‌شود شما را بی‌اطلاع هم دانست شما راه و رسم رسانه‌ای شدن و خبرسازی و آگاهی از جزئی‌ترین رخدادهای جهان را در پرونده‌تان دارید! آنوقت چطور می‌توان پنداشت که شما از ریشه‌های عمیق عشق حسینی در دل جهانیان بی‌اطلاع بودید! آیا آن هنگامی که در ایران بودید برای یکبار هم که شده از کنار مجلس عزای حسینی عبور نکردید؟! آیا در تلویزیون دسته‌های عزاداری روز داغ عاشورا را ننگریستید؟ آیا هنگامی که کودکی بیش نبودید دلتان برای کوبیدن روی طبل یا بستن سربند سبز رنگ و یا حتی سینه زدن پر نمی‌کشید؟ آیا والدین‌تان هیچ گاه برای شما از این شخصیت بزرگوار سخن نگفتند؟! نمی‌دانم واقعا پارادوکس عجیبی ست! نکنند شما هم مجبور به این کار شدید؟! نکنند ادامه‌ی زندگی و یا جایگاه به اصطلاح رفیعتان را در گرو این کار دیدید؟! چه بگویم دنیای عجیبی شده است!

خانم صدر نمی‌خواهم بیش از این وقت شما را بگیرم شاید در فکر نقشه‌ی دیگری باشید. اما می‌خواهم به عنوان یک زن که مقدساتش، ارزش‌هایش، دینش، اصلاً بهتر است بگویم زندگی و حیاتش توسط فردی که تا دیروز ایرانی و شاید مسلمان بوده به سخره گرفته شده‌است از شما تقاضایی کنم: خودتان که هیچ جوابتان با همان که شما را آفریده است؛ اما می‌شود به عنوان مدافع حقوق بشر، حق ذایل شده‌ی بنده را از آموزگاران غربی‌تان باز پس بگیرید؟! ممنون از اینکه نامه‌ی اینجانب را تا انتها مطالعه نمودید. به عنوان تشکر از جنابعالی تنها می‌توانم بگویم ان شالله حسین (علیه السلام) به فریادتان برسد.

زیر تیغ زیبایی



عباس معلمی

پژوهشگر

تنوع طبیعی زیبایی شناسی

زیبایی و زشتی اموری جهان شمول نیستند. البته همه انسانها زیبایی و زشتی را درک می کنند، اما افراد در دوره های تاریخی، جوامع، مناطق و فرهنگ های مختلف، در این که چه چیزی را زیبا و چه چیزی را زشت می دانند، متفاوت هستند. به عنوان مثال در تاریخ نه چندان دور کشور ایران، چاقی برای زن مایه زیبایی به حساب می آمد و زن لاغر از نظر زیبایی پسندیده نبود. اما امروز یکی از مهم ترین مواردی که نقص در زیبایی زن شمرده می شود، چاقی است و زنان به هر مشقتی تلاش می کنند جسمی لاغر و کمری باریک داشته باشند. ابرویی زیبا محسوب می شد که پیوسته و کمانی باشد؛ و ابروی پهن زشت نبود. اما امروز به وفور دیده می شود که زنان در اصلاح ابرو به مدل های کوتاه روی آورده اند و دنباله ای ابروی خود را برمی دارند. بنابراین زیبایی شناسی هر جامعه متفاوت از جامعه دیگر است.



نقش الگوها در شکل دهی به زیبایی شناسی

زیبایی شناسی تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می گیرد و قابل تغییر و تربیت است. یکی از مؤثرترین عوامل، الگوها هستند. در این میان الگوپردازی توسط رسانه های تصویری، تأثیر مضاعف دارد؛ زیرا با الگوها یا قهرمان های داستان های مکتوب یا اشعار تفاوت دارد و تمام خصوصیات ظاهری و رفتاری الگو را با جزئیات در مقابل چشم مخاطب قرار می دهد. مثلاً در دوران جنگ سرد شوروی و آمریکا، همه ی ضدقهرمان های فیلم های هالیوودی قتلند، شکم بزرگ و ابروهای پهن و شاخ شاخ شده داشتند و اکنون ضد قهرمان ها چشم و ابروی مشکی و ریش بلند و رنگ غیربورو دارند و قهرمان ها لاغر، قتلند و چشم آبی و بینی قلمی و دهن تنگ و کوچک و موهای بور دارند.

زیبایی جنسی به عنوان ارزش اجتماعی

در همه ی دوره ها و جوامع، انحرافات جنسی کم و بیش وجود داشته است. یعنی افرادی از راه غیرشرعی و غیرمتعارف با هدف کام جویی، دچار انحرافات می شده اند، اما این اقدام به عنوان یک انحراف صورت می گرفته است و حتی خود افرادی که مرتکب چنین عملی می شده اند نیز عموماً این

احساس را داشته اند که عمل نادرستی انجام می دهند. اما اکنون انحرافات جنسی نه تنها امری نادرست تلقی نمی شود، بلکه تبدیل به یک ارزش اجتماعی شده است؛ یعنی حتی یک مسئله ی خنثی نیز نیست و دارای ارزش مثبت است. یعنی جذابیت جنسی بیش تر، در فضای عمومی جامعه یک ارزش تلقی می شود. مثلاً زنی که نظر تعداد بیش تری از مردان را به خود جلب کند احساس موفقیت و افتخار بیش تری می کند؛ همین طور مردی که برای زنان بیش تری جلب توجه کند، احساس موفقیت بیش تری دارد.

در چنین شرایطی حضور در جامعه با جاذبه ی جنسی عمومیت می یابد و حتی کسانی که مقیدتر هستند نیز، تلاش می کنند تا با سطحی از جذابیت جنسی در جامعه حضور یابند تا از این

طریق، هم تا حدی به غریزه ی جنسی خود پاسخ داده باشند و هم از کسب ارزش اجتماعی و احساس موفقیت بی نصیب نمانند. البته گسترش جذابیت جنسی در جامعه چه از سوی مرد و چه از سوی زن و نیز دریافت لذت حداقلی از طریق اموری مانند نگاه حرام، نه تنها برای ارضای غریزه ی جنسی فایده ای نمی بخشد، بلکه موجب فشار بیش تر غریزه بر روی افراد می شود.

نیاز به جراحی زیبایی

بر طبق آنچه گذشت، اولاً فضای عمومی جامعه رقابت در جذابیت جنسی را ایجاد می کند، و ثانیاً زیبایی دیگر منطقه ای نیست و زیبایی شناسی واحدی برای اغلب شهرها و کشورها، حاکم شده است. به این ترتیب جایگاه جراحی های زیبایی روشن می شود: افراد برای موفقیت در فضای اجتماعی

روانی در فرد است. ۳. مراجعه به مشاوران قبل از اقدام به عمل و ضرورت این اقدام در جواز عمل ۴. بیان عواقب جراحی های زیبایی توسط پزشک. ۵. رسانه ها به عنوان یک مولفه ی تأثیرگذار می توانند در کاهش این گرایشات نیز نقش بزرگی را ایفا کنند.

پس از شناخت مسئله، برای رفع آن نیازمند ارائه راهکارهایی هستیم: ۱. در ابتدا نیاز به تعریف زیبایی و معیارهای زیبایی بومی هستیم و اجرای برنامه ای برای بومی نگه داشتن این معیارها. ۲. ایجاد حس امنیت در فرزندان توسط خانواده ها زیرا گرایش به عمل جراحی زیبایی نشان از یک نا امنی

جراحی زیبایی؛ درد یا درمان؟!

نازیبا به نظر می رسند و به جای مراجعه به روانشناس برای حل مشکل خود اقدام به جراحی زیبایی می کنند. افرادی که دچار این اختلال و وسواس های فکری از این قبیل هستند پس از عمل هم احساس زیبایی نمی کنند و مطلوبیت حاصل نمی شود و جراحی زیبایی را بارها تجربه می کنند و چهره های مصنوعی را جایگزین خود طبیعی می کنند.

بحث دیگر در اینجا اهمیت قضاوت اجتماعی است همان طور که آمارها بیان می کنند بازه ی سن شیوع عمل زیبایی از ۱۸ تا ۴۰ سالگی است. در حقیقت سنی است که افراد وارد فضای اجتماعی گسترده تری شده اند و در اینجا قضاوت اجتماعی برای فرد اهمیت بیشتری پیدا می کند و چطور دیده شدن یکی از الویت های فرد می شود و من آرمانی، خود را تا حدودی با نگاه های دیگران می سازد. حال تیزی لبه ی تیغ زمانی بیشتر ملموس می شود که فرد در محیطی پرورش یافته باشد که فاقد امنیت بوده و یا سطح امنیت پایینی را تجربه کرده باشد. در این حالت فرد تشویش و اضطراب بیشتری در ساختن من آرمانی پیدا می کند و الویت این ساختن را بر پایه ی نوع نگاه دیگران می گذارد.

مسئله ی دیگر همان رسانه ها و تبلیغات فراوان است که فراگیری این جراحی ها را درست و بجا نشان می دهند.

می کنند رو هم در آمارگیری سهمیم کنیم ارتقا تبه هم شامل حالمان می شود.

از نظر کارشناسان عمل شدگان ۳۰ درصد دچار ناهنجاری هستند! و اینجا زنگ خطری به صدا درمی آید که ۷۰ درصد دیگر اگر ناهنجاری در شکل بینی ندارند چرا اقدام به عمل می کنند؟

برای اینکه صدای این زنگ را بلندتر کنیم تا همگان متوجه ی عمق فاجعه شوند نیاز هست یادآور شویم فراگیر شدن یک چیز به معنای لزوم استفاده از آن نیست فراگیر بودن دلیلی برای صحیح بودن، مناسب بودن و ترغیب برای انجام نیست.

وجود پزشکان متخصص و فوق متخصص در این زمینه، تبلیغات فراوان و سوسه کننده از قبل عمل و بعد عمل و زیباتر شدن دختران و پسرانی که به عمل روی آوردند دلیل منطقی نیست برای انجام عمل! باید دید در ابتدا تعریف ناهنجاری شامل جسم می شود و سپس بعد از عمل، ناهنجاری رفع می شود یا خیر!؟

حال برای تحلیل ۷۰ درصدی که در مسیر فراگیر بودن رفته اند و ناهنجاری که لازمه ی آن عمل جراحی است، نداشته اند نیاز به تبیین هستیم.

یکی از علل آن اختلالی هست با نام اختلال «بادی دیسمور فیک» (B.D.D) که به افرادی اشاره دارد که برخلاف زیبایی که دارند خود گمان می کنند از دید دیگران



سپهילה استیری

دانشجوی کارشناسی ارشد
مطالعات زنان

- از عمل بینی ام راضی نیستم می خوام از دکتر وقت بگیرم!

- چرا؟! من خیلی از فرمایش خوشم اومده می خواستم آدرس دکترت رو بگیرم.

با همه ی تمرکزی که روی مطالعه ی کتابم داشتم و با وجود هیاهوی دستفروشان مترو این مکالمه رو به خوبی شنیدم و به دو دختری که روبروی من ایستاده بودند نگاهی کردم. به نظر هر دو بینی خوبی داشتند چه دختری که عمل کرده بود و چه اون که متمایل به عمل کردن بود. ادامه ی مطالعه ی کتاب رو به لقایش بخشیدم و ذره بین چشمم رو به کار گرفتم تا ایراد بینی دختر رو کشف کنم ذره بینم خیلی متمرکز در نقطه ی کانونی بود که دختر نگاهی سراسر تعجب انداخت و به نظرم با خودش گفت: بینی اینم نیاز به عمل داره.

در آماری که توسط دبیر انجمن جراحان پلاستیک و زیبایی بیان شده است ایران رتبه ی چهارم در جراحی بینی و رتبه ی دهم در جراحی زیبایی و پلاستیک دارد. البته اگر اشخاصی که توسط پزشکانی که بدون تخصص زیبایی اقدام به عمل



حقوق متقابل من و تو!

استاد: بله دقیقاً. خالق هستی ما را آفریده و براساس علم و دانشی که نسبت به کل جهان دارد، به ما دستوراتی داده و ما باید به خاطر علم و قدرت خداوند بر کل هستی، او را اطاعت کنیم. فلاسفه به این حق خداوند "حق الطاعه" می‌گویند. خداوند به عنوان یک موجود برتر نسبت به انسان حقی دارد، و این مطلب قابل درک است. اما موجودات دیگر که در رتبه پایین‌تری هستند چطور؟ آیا آنها هم نسبت به انسان حقی دارند؟

دانشجو ۴: نه استاد. چه حقی می‌تواند داشته باشند؟ کم مونده خواهیم برای اونها هم حقی قائل شیم.

دانشجو ۱: استاد ما از خیر سه شانزدهم گذشتیم، لطفاً دیگه ادامه ندید، تا ما به کل جهان بدهکار نشدیم.

استاد: اتفاقاً از مباحث مهم و حیاتی روز، همین مسأله است که برخی از افراد اصلاً به آن توجهی ندارند.

دانشجو ۶: استاد بفرمایید. ما جنبه شو داریم.

استاد: اگر خواهیم در مورد حقوق افراد یک دسته‌بندی داشته باشیم، در یک رابطه‌ی عرضی، خود انسان و انسان‌های دیگر بر او حقی دارند، و در یک رابطه‌ی طولی، خداوند به عنوان موجود برتر، و سایر موجودات غیر از انسان در سطحی پایین‌تر نسبت به انسان حقی دارند.



سؤالات، رعایت نظم و ... علاوه بر اساتید، والدین هم نسبت به درس خواندن شما حقی دارند. این که از وقت خودتان برای درس استفاده کنید نه چیز دیگری.

حال به ابعاد طولی و عرضی حق برمی‌گردیم. همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن سن، جنسیت، سمت، نژاد و ... با هم برابرند، و رعایت حقوق آنها در یک رابطه‌ی عرضی است. همین طور انسان نسبت به خودش هم باید حقوقی را رعایت کند. مثل حق حفظ حیات، برای همین خودکشی مجاز نیست. با این توضیحات به نظر شما بُعد طولی نسبت به کیست؟

دانشجو ۱: استاد خدا هم نسبت به ما حقی داره، درسته؟

که جواب دادی دوست دارم سؤال بعدی رو هم از خودت بپرسم. حالا اگر دادن حق شما، به ضرر فرد دیگری باشد چطور؟

دانشجو ۲: استاد شرمنده هنوز این قسمت رو مطالعه نکردیم.

استاد: به خاطر حاضر جوابی در کمال ادب، سؤال آسان‌تری ازت می‌پرسم. من به عنوان استاد نسبت به شما چه حقی دارم؟

دانشجو ۳: ای بابا استاد، کار رو سخت‌تر کردید.

استاد: اتفاقاً سخت‌تر از این هم خواهد شد. دانشجویها نسبت به اساتیدشون باید حقوقی رو رعایت کنند، مثل احترام گذاشتن، انجام کارهای تحقیقی، پاسخگویی به

دانشجوی گرامی نباید حق بقیه رو بده؟ مثلاً اگر اکبری با حرف زدنش باعث بشه اصغری نتونه به درس گوش بده، حق اصغری رو پایمال کرده. همین طور سایر افراد نسبت به تک تک شما حقی دارند که ممکن است مورد توجه قرار نگیرد. تا اینجا نظر مثبتون چیه؟

همه لبخندی زدند و یکی از دانشجویان گفت نظر مثبتمون هنوز به جمع بندی نرسیده، و دوباره همه خندیدند.

استاد: اگر خواهیم حق هر فردی رو بهش بدیم چه اتفاقی میفته؟

دانشجو ۲: خب همه به حق خودشون می‌رسند.

استاد: واقعاً خسته نباشید. این مدلی



زهراسمعی زفرقندی

دانشجوی دکترای فقه و حقوق

دانشجو ۱: استاد حق ما دانشجویهاست که از حق غیبت‌مان که سه شانزدهم (۳/۱۶) است، استفاده کنیم.

استاد: شما که دانشجوی حقوق هستی، حق رو در همه ابعادش می‌شناسی؟

دانشجو ۱: یعنی چی استاد؟

استاد: یعنی نگاه یک بُعدی به حق نداشته باشی، دیدت رو وسیع کنی، و در ابعاد طولی و عرضی به حق توجه کنی.

دانشجو ۱: باز هم متوجه نشدم.

استاد: با یک مثال ساده شروع می‌کنم. در ایران همه دانشجویان همین که وارد دانشگاه شدند خود را محق، و بقیه را بدهکار خودشون می‌دانند. تا اینجا رو قبول دارید دیگه؟

همه دانشجویها با سر و زبان و برخی با قیافه‌ای حق به جانب حرف استاد رو تأیید کردند.

استاد: همه افراد در موقعیت‌های مختلف دارای حقوقی می‌گردند، اما این حقوق تا زمانی قابلیت اجرا دارد که به ضرر افراد دیگر نباشد. مثلاً دانشجو حق غیبت‌کردن، حق صحبت‌کردن، حق پاسخ دادن و سؤال پرسیدن رو داره، اما همین

ملای دانشمند را بهتر بشناسیم

ملاصدرا ی عزیز! یکی از شاگردانت، در یکی از جلسات درس شما، از آنچه گفته‌اید یادداشت‌هایی برداشته است - کلمه به کلمه. من و تنی از استادان قصد آن کرده‌ایم که این یادداشت‌ها را بدهیم با خط خوش بر کاغذی بنویسند تا بر دیوار مدرسه بکوبیم و جایزه‌ی بزرگ به آن فردی بدهیم که بتواند این سخنان را به معنا نزدیک کند و یا از طریق تحلیل و تفسیر، مفهومی از درون آنها استخراج کند. با این کار مخالفتی که ندارید جوان! بله؟ - خیر، حضرت استاد! اما از هم اکنون به این اندیشه گرفتار آمده‌ام که اگر خود در این مسابقه شرکت کنم، آیا خواهم توانست این سخنان را به معنایی که با طبع بزرگانی چون شما باشد و در حد آگاهی شما را برسانم، یا خیر، با معنا کردن این سخنان، آنها را از ذهن وقاد شما اعظم فلسفه و حکمت، دورتر از حدی که هست خواهم کرد. خداوند، به برخی از بندگان خود جسارت می‌بخشد و به برخی وقاحت. ما از مصلحت خدا خبر نداریم؛ اما شکی نیست که به شما، جز وقاحت، چیزی نبخشیده است...»

شاید کمتر کتابی را بتوان در باب زندگانی این شخصیت بزرگ یافت که هم روایی - داستانی باشد و هم جملات - شاید بتوان گفت - غیرقابل فهم فلسفی و عرفانی ملاصدرا جوان در آن گنجانده شده باشد. در حقیقت از زیباترین بخش‌های کتاب، مناظرات و مجادلات ملاصدرا با سایرین، از جمله اساتیدش است. کتابی است با جملاتی سهل و ممتنع و به واقع شیرین، که خوراک هر فرد جویای علمی است. مطالعه‌ی زندگانی شخصیت‌های علمی - آن هم دانشمندان بزرگ کشور خودمان - نه تنها آشنایی هر چه بیشتر زندگی آنان را براریمان فراهم می‌کند، بلکه خود به مثابه نیروی محرکی است در جهت تشویق به کسب علم؛ چرا که آنان نیز در طریقت دانش متحمل سختی‌های بسیاری شده‌اند که اکنون لقب‌هایی اینچنین فاخر را تا پایان این گیتی بر دوش می‌کنند.

خواندن این کتاب زیبا و شیرین را به تمامی علاقمندان پیشنهاد می‌کنم. و اکنون گزیده‌ای از این کتاب: «روزی، استادی، طعنه زنان گفت:



منیره سادات میراحمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس



مردی در تبعید ادبی! کتابی است که به زندگانی دانشمند شهیر ایرانی پرداخته است. نادر ابراهیمی نویسنده مطرح کشورمان در این کتاب به زندگی ملاصدرا نگاهی نو انداخته است. ملاصدرا! دانشمند بزرگ اسلام و تشیع که دوران زندگانی چهار سلطان صفوی، من جمله شاه عباس را درک کرده است و در اوایل جوانی از جانب علمای بزرگ هم عصر خویش، ملقب به «صدرالمتألهین» شده است؛ ملاصدرا ی شیرازی، شخصیتی که در باب عناوین فلسفی مطرح شده‌ی خویش، به مجادله و مباحثه با اعظم علما و حکمای سراسر بلاد اسلامی می‌پردازد و به قول نویسنده - که در بخشی از مکالمات ملاصدرا و همسرش آمده - هنوز آنقدر جوان است که نوجوانان در کوی و برزن او را به «الک دولک» دعوت می‌کنند، به خیال اینکه هم سن او هستند و یا کمی بزرگتر از آنها.



نگاهی به فیلم لژیون

صهیونیسم مسیحی، قوم برگزیده می شود

نگاه

رویا طالبی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی
دانشگاه تربیت مدرس

اندیشه نجات موعود از فراگیرترین اندیشه‌های بشری است که سراغ این اندیشه را می‌توان در همه جا، از ادیان و فرهنگ‌های کهن و باستانی تا جنبش‌های نوپای دینی گرفت. شاید پس از اندیشه خدا، هیچ فکری در میان انبای بشر چنین فراگیر نشده باشد.

آخرازمان در هالیوود مانند دیگر رویکردهایش بر پایه اهداف و منافع مادی سردمداران یهودی آن به تصویر کشیده می‌شود.

لژیون از فیلم‌های آخرازمانی هالیوود است که قرائت عجیبی از آخرازمان ارائه می‌دهد و در جهت ترویج غیرمستقیم اعتقادات صهیونیسم مسیحی بر می‌آید. در این نوشتار به معرفی کوتاه صهیونیسم مسیحی پرداخته می‌شود. پس از آن در تحلیل فیلم لژیون، اثبات صهیونیستی بودن فیلم با بررسی مولفه‌هایی چون صفات خدا، فرشتگان و منجی در آن صورت خواهد گرفت.

۱. نخستین ویژگی منجی گرایی صهیونیسم مسیحی است که نگاه اسطوره‌ای به منجی موعود یعنی مسیح دارد. نگاه اسطوره‌ای به عیسی که آن را تا مقام الوهیت بالا می‌برد و پسر خداوند می‌خوانند، نقطه اصلی بحران در سامانه اعتقادی صهیونیست‌های مسیحی است که همواره بر آن پای می‌فشارند. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

«و یهود گفتند: عزیز پسر خداست و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست! این سخنی است که تنها بر زبان می‌رانند و با گفتار و کیش کافران مشرک پیشین نزدیکی و مشابهت دارند، خدا آنها را هلاک و نابود کند. آنان را از حق به کجا می‌گردانند؟ (توبه ۳۰)

۲. قوم برگزیده و نجات یافتگان پس از ظهور منجی: از دیگر عواملی که به تمایز صهیونیست‌های مسیحی از دیگران در باور به منجی می‌انجامد، باورمندی ایشان به برگزیدگی الهی است. جنبش صهیونیسم مسیحی، خود را قوم برگزیده می‌داند و برای خویش تبار الهی ساخته است. در بخشی از تورات تحریف شده همگام با این ادعای یهودیان، از قول خداوند چنین آمده است: «ارتداد ایشان (بنی اسرائیل) را شفا داده، ایشان را مجازا دوست خواهم داشت، زیرا خشم من از ایشان برگشته است».

سابقاً در فیلم‌های هالیوودی شاهد تجسم خدا بوده‌ایم. خدا در کالبد انسان، به میان انسانها می‌آید و با آنها ارتباط برقرار می‌کند و از این ارتباط هدفی را دنبال می‌کند. در فیلم‌های «بروس توانا» و «ایوان توانا» خدا در کالبد مردی سیاه پوست به زمین می‌آید و با این افراد ملاقات می‌کند. گروه دیگری از فیلم‌های هالیوودی، صفاتی را به خدا نسبت می‌دهند که انتساب انسانها هم به آن صفات ناپسند است. خشم، جهل، نیاز، ضعف و ظلم (نعوذبالله) ویژگی‌های خدا در فیلم لژیون است. در ابتدای فیلم این فراز از مزامیر داوود (Y) به نمایش در می‌آید: «ای اطفال بیایید مرا بشنوید و ترس خداوند را به شما خواهم آموخت». انتخاب این فراز از مزامیر و نمایش آن در ابتدای فیلم اشاره به مضمون و موضوع فیلم دارد؛ ترس از خداوند به سبب خشم او از بندگان. اینکه در فیلم، ترس از خدا را به خاطر خشم او می‌داند، نسبتی نادرست است، چرا که با بررسی فرازهای ماقبل و بعد این فراز، درمی‌یابیم که منظور از ترس، خضوع و خشیت نسبت به خداوند است.

این فیلم با وجود اینکه آخرازمان دینی است ولی مفاهیم ضد دینی از جمله نسبت دادن صفات ناپسند به خداوند که ما در کتاب مقدس، عکس آن را شاهد هستیم در بر دارد.

سوژه دیگری که در این فیلم مورد هجوم قرار گرفته است، فرشتگان هستند. ملائکه از دیدگاه دین اسلام ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. از جمله ویژگی‌های ملائکه می‌توان به علم، قرب و کرامت الهی، عبادت و عصمت اشاره کرد.

در ابتدای فیلم میکائیل که از فرمان خدا ترمز کرده است، با صورتی خونین از آسمان به زمین می‌آید، بال‌هایش را با چاقو می‌برد تا از بندگی خدا خارج شود. با این کار، بیوغ بندگی خدا از گردن او باز می‌شود و به زمین می‌افتد!

میکائیل که اکنون بدنی مادی دارد، همانند انسانها سلاح به دست می‌گیرد، مبارزه می‌کند و زخمی می‌شود اما نهایتاً در نبرد با جبرئیل شکست می‌خورد و می‌میرد به ماهیت مجرد خود باز می‌گردد و به ذرات نور تبدیل می‌شود. این تناقض‌ها جای تأمل دارد!

فرشته دیگری که در این فیلم به تصویر کشیده می‌شود حضرت جبرئیل است. فرشته مطیع خدا که برخلاف میکائیل دلسوز بشریت نیست. او برای انجام مأموریتی که میکائیل از پذیرش آن سر باز زد به زمین آمده است. همانند انسانهای قرون وسطی با گرز می‌جنگد. از بال‌هایش به عنوان یک ابزار جنگی استفاده می‌کند.

نور که برای برجسته کردن بازیگر صورت می‌پذیرد و روایت داستانی در کنار هم در این فیلم حاکی از دیالوگ محور بودن فیلم است.

از آنجا لژیون زیر نظر یک سازنده جلوه‌های بصری کارگردانی شده است، دارای جلوه‌های ویژه خوبی است که تأثیر زیادی در برانگیختن کنجکاو مخاطب برای تماشای فیلم تا آخر دارد حتی اگر محتوا برایش ناخوشایند باشد.

تکنیک‌های روایی نمود بیرونی دارند. خودآگاهی آن کم است ولی دامنه گستره اطلاعات بالاست. پایان فیلم بسته است و برای مخاطب جای هیچ سوال و ابهامی نمی‌ماند.

محیطی که این فیلم ترسیم می‌کند محیطی فرا آخرازمانی است. یک رستوران در بیابانی برهوت، شبیه به محیطی ویران شده که دسترسی به هیچ جا ندارد، البته در یک قسمت از فیلم، ما شاهد نشانه‌ای از فرارسیدن آخرازمان با فرو رفتن شهر در تاریکی (به معنای متوقف شدن زندگی و حرکت) هستیم.

در فیلم لژیون خدا از دست بشریت خسته شده است. او تصمیم می‌گیرد منجی را که کودکی زنازاده است و قرار است از زنی فاسد متولد شود، نابود کند. بدین منظور میکائیل را برای انجام این مأموریت می‌فرستد؛ اما میکائیل ترمز می‌کند و با جان فشانی منجی را نجات می‌دهد.

مایکل لیتواک، رئیس Bold Film شرکت تولیدکننده فیلم لژیون است. «دیوید لانکستر» نیز هم رئیس و هم از تولیدکنندگان این شرکت می‌باشد. این دو، شش فیلم دیگر را نیز با همکاری هم تهیه کرده‌اند. توزیع این فیلم را شرکت Screen Gems که یکی از شعب شرکت Sony Picture است، برعهده داشته است. کارگردان در این فیلم سعی کرده است از دو حوزه تکنیک‌های بیانی و روایی استفاده کند. اجتماع تکنیک‌های بیانی چون نمای متوسط، بسته، عکس جهت، نورپردازی ضد

موضوع فیلم لژیون که با بودجه ۲۶ میلیون دلاری ساخته شد. به قدری جذاب می‌نمود که با استقبال زیاد مردم آمریکا در هفته اول مواجه شد و در رتبه دوم پر فروش‌ترین فیلم‌ها بعد از فیلم آواتار (۲۰۰۹) قرار گرفت، اما خیلی زود و در هفته‌های بعدی این استقبال ۶۱/۱٪ کاهش پیدا کرد. منتقدین هم روی خوشی به فیلم نشان ندادند. تنها در وب سایت Rotten Tomatoes صد نقد از منتقدین مختلف بارگذاری شد که با توجه به این نقدها نمره ۳/۸ از ۱۰ به فیلم تعلق گرفت.

۳. بسترسازی برای ظهور منجی: صهیونیسم مسیحی معتقد است پیش از ظهور مسیح، مراحل چون گردهمایی یهودیان از سراسر جهان در فلسطین و در نهایت، تشکیل دولت اسرائیل، انهدام مسجدالاقصی و صخره در بیت المقدس، بازسازی معبد سلیمان، شروع جنگ نهایی آرماگدون و تسریع در ظهور مسیح با فراهم کردن مقدمات جنگ نهایی مقدس باید پیموده شود.

زاویه دید صهیون‌های مسیحی از پنجره لژیون

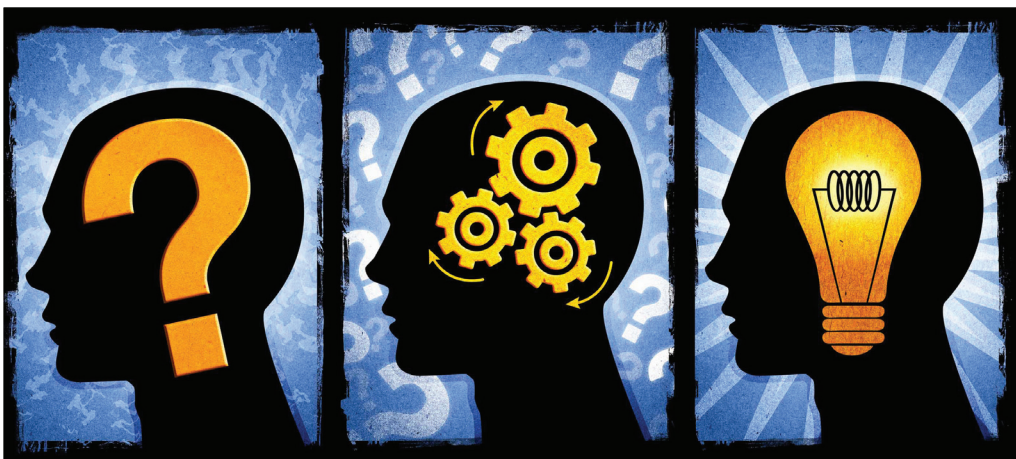
موضوع فیلم لژیون که با بودجه ۲۶ میلیون دلاری ساخته شد. به قدری جذاب می‌نمود که با استقبال زیاد مردم آمریکا در هفته اول مواجه شد و در رتبه دوم پر فروش‌ترین فیلم‌ها بعد از فیلم آواتار (۲۰۰۹) قرار گرفت، اما خیلی زود و در هفته‌های بعدی این استقبال ۶۱/۱٪ کاهش پیدا کرد. منتقدین هم روی خوشی به فیلم نشان ندادند. تنها در وب سایت Rotten Tomatoes صد نقد از منتقدین مختلف بارگذاری شد که با توجه به این نقدها نمره ۳/۸ از ۱۰ به فیلم تعلق گرفت.

«اسکات چارلز استوارت» کارگردان، فیلم نامه نویس و تهیه کننده اجرایی این فیلم کارمند ارشد شرکت جلوه‌های بصری است. مایکل لیتواک و دیوید لانکستر دو تهیه کننده این فیلم هستند.



علی حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد
مدیریت سازمان های دولتی



به عمل کار بر آید...

آنگاه که به سخنان اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیها) و بلاخص امام غائب، رجوع می کنیم امر ظهور را به رفتار شیعیان گره زده اند؛ آنگاه که هر بار سخن از بزرگترین واقعه تاریخ خلقت می کنند اگر نیک بنگریم تنها یک شرط را برای آن قائل شده اند و آن درستی و صحت رفتار شیعیان است. در عصر حاضر نیز امام عزیزمان اصلاح جامعه را متوقف بر اصلاح روحانیون می دانستند و رهبر گرانقدرمان هر مرتبه که دم از اصلاح جامعه می زنند، شرط آن را حضور جوانان مومن به انقلاب و رفتار انقلابی می دانند.

سوره، تهدیدگونه بیان می دارد که: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که به آن عمل نمی کنید. بین خودمان بماند، اول مرتبه ای که از روی مصحفی با دقت سوره «ممتحنه» را قرائت می کردم وقتی به آیه مورد

است از ارتباط مابین دو آیه پنجم سوره مبارکه «ممتحنه» و دوم سوره مبارکه «صف»؛ آنگاه که در اولی - هر چند از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) و یارانش نقل شده است ولی در واقع دعایی است که همیشه باید ورد زبان همه مومنین باشد - می فرماید: «رَبَّنَا لَا

تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا...»؛ بارالها ما را عامل گمراهی کافران قرار مده. و آنگاه که در دومی با خطابی عتاب گونه به مومنین می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ ای اهل ایمان چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید. و حتی در آیه سوم همین

اصولاً رفتار پیروان هر مکتبی - درست یا غلط - نشانه ای است بر زیبایی شعارها و عقاید و ارزش های آن مکتب؛ چه آنکه انسان تحت تاثیر ارزش هایش است و بر اساس اعتقاداتی که دارد رفتار می کند. پس طبیعی است که رفتار ما نشانه ای است از زیبایی ارزش های مکتب ما. دیگران اسلام را آنگونه خواهند شناخت که ما رفتار می کنیم. هر چه که بر عالم می گذرد از خوب و بد حاصل رفتار و کردار انانی است که دم از اطاعت خداوند و رسول می زنند، حال آنکه عمل کنند یا خیر. آنگاه که به سخنان اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیها) و بلاخص امام غائب، رجوع می کنیم امر ظهور را به رفتار شیعیان گره زده اند؛ آنگاه که هر بار سخن از بزرگترین واقعه تاریخ خلقت می کنند اگر نیک بنگریم تنها یک شرط را برای آن قائل شده اند و آن درستی و صحت رفتار شیعیان است. سخنی منتسب به یکی از سخنرانان معروف مذهبی را شنیدم که گفتند: «تا خوبها خوبتر نشوند، بدها خوب نمی شوند». و این سخن، ترجمانی

یکی از موانع مهم تهذیب نفس آن است که ما همواره

به بیرون از خود می نگریم و از خود غافلیم در حقیقت فضول هستیم و نه عقول. در یکی از خطبه های حضرت علی (علیه السلام) آمده است: ای انسان چه چیز تو را بر گناه جرئت داده... چرا همانگونه که به دیگران رحم می کنی به خودت رحم نمی کنی پس چه چیز تو را بر این بیماریت شکیبایی بخشیده و بر این مصائب صبور ساخته و چه چیز تو را از گریه بر خویشتن تسلی داده است؟



شاید برای شما هم اتفاق بیافتد

از خودت نیست... این خواب غفلتی که چشمت را فرا گرفته با بیداری برطرف ساز... باید بدانیم که خداوند عاشقانه ما را دوست دارد پس هیچگاه ما را در امتحانی قرار نمی دهد که نتوانیم از عهده آن بر آییم و ما را در معرض معصیتی قرار نمی دهد که نتوانیم توبه کنیم. نا امیدی از چنین خدایی واقعاً گناه کبیره است. همین امید و اطمینان به محبت خداوند و یادآوری آن رشد دهنده است. اگر باور کنیم هر امتحانی که از ما گرفته می شود تاثیرات آن تا ابد باقی خواهد ماند قبولی در یک امتحان را هم از دست نخواهیم داد نباید بترسیم کافی است از خداوند کمک بگیریم آنگاه بی شک در همه امتحانات قبول خواهیم شد.

به هر پرنده یا حیوان دیگر در میدان شکار اصابت کند در حال غفلت اوست. یکی از موانع مهم تهذیب نفس آن است که ما همواره به بیرون از خود می نگریم و از خود غافلیم در حقیقت فضول هستیم و نه عقول. در یکی از خطبه های حضرت علی (علیه السلام) آمده است: ای انسان چه چیز تو را بر گناه جرئت داده... چرا همانگونه که به دیگران رحم می کنی به خودت رحم نمی کنی. تو هرگاه کسی را در آفتاب سوزان بیابی بر او سایه می افکنی و هرگاه بیماری را ببینی که سخت ناتوان گشته از سر رحم بر او می گویی پس چه چیز تو را بر این بیماریت شکیبایی بخشیده و بر این مصائب صبور ساخته و چه چیز تو را از گریه بر خویشتن تسلی داده است؟ در حالی که هیچ چیز برای تو عزیزتر

که تو مرا بیدار کردی. پس هرگاه دلت برای یک کار خوب تنگ می شود حتماً به سراغ آن کار خوب برو اما وقتی دلت برای یک کار بد تنگ شد آن را به تاخیر بینداز و سعی کن از زیر حرف دلت فرار کنی این مهمترین رمز موفقیت در تعالی روح و مبارزه با هوای نفس است. هوس های خوب دل ما الهامات الهی هستند و همان نسیم بیداری که باید خود را در معرض آن قرار بدهیم. در مناجات شعبانیه امامان معصوم (علیهم السلام) به خدا عرض می کنند: خدایا ما از تو شاکریم که دل هایمان را از چرک غفلت پاک کردی. منشاء هر آفتی که از بیرون دامنگیر ما می شود غفلت درون ماست و اگر در درون ما قلعه اعتقاد و التفات وجود داشته باشد آسیبی به ما نمی رسد. در روایات آمده هیچ پرنده ای در حال ذکر تیر نمی خورد و هر تیری



فروزان نیک نداد

دانشجوی کارشناسی ارشد بیوشیمی
دانشگاه تربیت مدرس

شاید برای شما هم اتفاق افتاده است که بعد از انجام یک عمل ناشایست مدام خود را سرزنش کرده و حتی بارها با خودتان گفته اید که خداوند هرگز مرا نخواهد بخشید و تکرار این جمله افزون تر روح شما را آزرده است ولی باید بدانیم که خداوند مهربانتر از آن است که با چند گناه بنده ی خود را دور بیندازد ولی شیطان دائماً در حال نا امید کردن انسان است. باید بدانند این نا امیدی القاء همان شیطانی است پس نباید به احساس منفی خود اعتنایی کند. در واقع ما با گناه، روح و قلب خود را خراب کرده ایم به حدی که دیگر عجایب عالم را نمی بینیم صدای تسبیح فرشتگان را نمی شنویم، عاشقانه از دوری خداوند اشک نمی ریزیم و اینجاست که با غیر خدا سرگرم می شویم و این سر آغاز غفلت است. در علم اخلاق غفلت به عنوان «مانع» و بیداری به عنوان «شرط لازم» تهذیب نفس، سیر و سلوک شمرده شده است. لازم است انسان توجه کند که ناقص است و باید کامل شود و مسافر است و به زاد، راحله و راهنما نیاز دارد. در مناجات شعبانیه درباره بیداری از خواب غفلت آمده: خدایا من غافل بودم و هیچ توفیق حرکت نداشتم مگر آنگاه

(پی نوشت)

گزیده ای از سخنان حجت الاسلام پناهیان
گزیده ای از کتاب مراحل اخلاق در قرآن آیت الله جوادی آملی



فاطمه رحمانی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی
دانشگاه تربیت مدرس



پای درس الرحمن

«دوستان سعی کنند در همه اوقات - بخصوص در ماه رمضان - تلاوت قرآن را از یاد نبرند. قرآن نباید از زندگی تان حذف شود. تلاوت قرآن را حتماً داشته باشید؛ هر چه ممکن است. تلاوت قرآن هم با تأمل و تدبر اثر می‌بخشد. تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبر بخواند و کلمات الهی را بفهمد.»

قرآن میزان انسانیت است. قرآن انسان است که نوشته شده و انسان قرآن است که مجسم شده است. آن کس که با قرآن انس می‌گیرد خود را پیدا می‌کند آن کس که خود را پیدا می‌کند خدا را پیدا می‌کند. خدای تبارک و تعالی در ابتدای سوره مبارکه «الرحمن» فرموده است: «الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان، علمه البيان» این امر نشان می‌دهد که انسانیت انسان به تعلم معارف قرآنی است. بر پایه این آیات، خدای الرحمن قرآن تعلیم داده و می‌دهد. اگر بگویند مهندسی تدریس می‌کند، یعنی درس هندسه می‌آموزد... بر این اساس، جمله «الرحمن درس می‌دهد»، یعنی رحمت تعلیم می‌دهد و از بارزترین مصادیق رحمت و بهترین رحمت خدای رحمان، همین قرآن است، لذا فرمود: «الرحمن، علم القرآن»

در این آیات، خلقت انسان به دست ذات پاک باری تعالی، پس از مسئله تعلیم قرآن آمده است: «الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان...»؛ فرموده «خلق الانسان، علم القرآن» حال آنکه نظم طبیعی اقتضاء می‌کند که خدا انسان را خلق کند بعد قرآن را به او تعلیم دهد. چرا این نظم را بر هم زده؟ برای آنکه بگوید: تا کسی در مکتب «الرحمن» قرآن فرا نگیرد، انسان نمی‌شود و تا انسان نشود، سخن او بیان نیست، بلکه مبهم است؛

او، در ترسیم خطوط فعالیت او مؤثر است و کار او نیز از بینش او استمداد می‌نماید؛ به طوری که علم او پایه عمل او بوده، عمل او از علمش مایه می‌گیرد که این خود معنای حیات است. علمی که در عمل ظهور نکند و هندسه کار را تنظیم ننماید و عملی که دستوراتش را از علم نگیرد و رهبری اندیشه را نپذیرفته باشد، انسجامی بین آنها نبوده، هر یک جدای دیگری است و در نتیجه حیات که هماهنگی علم و عمل است، محقق نشده و موجودی که میان علم و عملش هیچ گونه رابطه‌ای نباشد، زنده نخواهد بود؛ چون موجود زنده عبارت است از ادراک فعالی که رهبری علم و پیروی فعل در او محقق باشد. چون حیات انسان به اندیشه و کارش بسته است و تفکر و فعالیتش در زندگی او تأثیر به‌سزایی دارند، بنابراین هر چه علم او عمیق‌تر و کار او حکیمانانه‌تر و پیوند بین دانش و کوشش او ناگسستگی‌تر باشد، حیات او معقول‌تر و زندگی او پربارتر خواهد بود؛ زیرا اهمیت حیات به اهمیت ارکان اولی بوده، ارزش آن به مقدار ارزش پایه‌های اوست و در نتیجه بهترین حیات که همان «حیات جاوید» می‌باشد، در پرتو بهترین علم و سودمندترین عمل، و هماهنگی خلل‌ناپذیر بین آن دانش و این کوشش است. چون هدف والای وحی آسمانی احیای انسانیت است لذا در راه آورد انبیاء اهتمام فراوانی نسبت به سه اصل فوق می‌ذول گردیده است؛ زیرا با تحقق آن‌ها حیات پیدا می‌شود و حیات اگر تحلیل شود به آن سه اصل برمی‌گردد (یعنی اصل علم، اصل عمل، و اصل رهبری علم نسبت به عمل و پیروی عمل از علم) ۴ بنابراین انسان برای رسیدن به مقام والای انسانیت باید در پرتو تدبر در قرآن

علم لازم را برای زندگی سعادت‌مند محیا کند و با عمل صالح و زندگی شرافتمندانه زمینه را برای درک و تدبر بهتر و اصیل‌تر قرآن فراهم آورد. در واقع قرآن در ایجاد عقیده و انگیزه انسان نقش بسزایی دارد به عبارتی به وسیله تدبر در قرآن می‌توان از لحاظ نظری، فکری و ذهنی به یک نظام منطقی کلی دست پیدا کرد، بطوری که قرآن میزانی برای اندیشه و افکار انسان گردد، به زندگی او جهت دهد و او را به سمت عمل تحریک کند. قرآن معجزه است؛ معجزه بودن قرآن، از جنس معجزه بودن عصای موسی، شتر صالح و... نیست. قرآن معجزه است برای عقل بشر، برای روح بشر، برای فطرت بشر. اعجاز قرآن در ساختن انسان است، اعجاز قرآن در ساختن جامعه انسانی است. در واقع اعجاز قرآن در تربیت انسان و به تبع آن تربیت جامعه است، ملتی که مردمش در قرآن تدبر کنند و به قله‌های رفیع پیشرفت مادی و معنوی نائل می‌شوند؛ در مورد برتری و جامعیت قرآن؛ امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «خداوند، بیان هر چیزی را در قرآن نازل کرده به گونه‌ای که به خدا قسم هیچ‌یک از نیازمندی‌های بشر را فروگذار نکرده است». یعنی با تدبر و عمل به قرآن می‌توان یک جامعه بسیار متمدن و پیشرفته دینی را ایجاد کرد؛ آن مدینه فاضله‌ای که انتظارش را می‌کشیم از پیاده شدن همین قرآن حاصل می‌شود. در واقع معجزه بودن قرآن در هدایت انسان و جامعه است.

در نهایت می‌توان گفت که تدبر در قرآن، و قرآنی شدن افعال ما سبب ظهور منجی نیز می‌شود در واقع ما دنبال امام زمان هستیم، می‌خواهیم امام زمان

(علیه‌السلام) ظهور کنند، اما ظهور آقا منوط است به اینکه ما و امت ما سراغ قرآن بروند. پیامبر عظیم الشان اسلام فرموده‌اند: «انهمنا لن یفترقا حتی یردا علی الحوض...» قرآن و عترت تا قیامت از هم جدا نیستند؛ یعنی این امام زمان نیست که گمشده شده یا غائب شده. این مائیم که غائبیم. ما فاصله گرفتیم از امام. نه امام از ما. چرا امت از امام فاصله گرفت؟ چون از قرآن فاصله گرفت. چه طور می‌شود دوباره به محضر امام رسید؟ باید دوباره به محضر قرآن برگشت.

قرآن معجزه است؛ معجزه بودن قرآن، از جنس معجزه بودن عصای موسی، شتر صالح و... نیست. قرآن معجزه است برای عقل بشر، برای روح بشر، برای فطرت بشر. اعجاز قرآن در ساختن انسان است، اعجاز قرآن در ساختن جامعه انسانی است. در واقع اعجاز قرآن در تربیت انسان و به تبع آن تربیت جامعه است، ملتی که مردمش در قرآن تدبر کنند و به قله‌های رفیع پیشرفت مادی و معنوی نائل می‌شوند؛

(پی نوشت)

۱. قسمتی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیئت دولت درباره

تدبر در قرآن ۸۴/۷/۱۷

۲. مومنون ۱۴

۳. حجر ۲۹- آیه الله جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان

۴. سرچشمه اندیشه، جلد ۴، حضرت آیت‌الله جوادی آملی

قرآن میزان انسانیت است. قرآن انسان است که نوشته شده و انسان قرآن است که مجسم شده است. آن کس که با قرآن انس می‌گیرد خود را پیدا می‌کند آن کس که خود را پیدا می‌کند خدا را پیدا می‌کند. خدای تبارک و تعالی در ابتدای سوره مبارکه «الرحمن» فرموده است: «الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان، علمه البيان» این امر نشان می‌دهد که انسانیت انسان به تعلم معارف قرآنی است. بر پایه این آیات، خدای الرحمن قرآن تعلیم داده و می‌دهد.

توصیه‌هایی برای روزه‌داری در ایام امتحانات



افطار را سبک و حاوی مواد قندی ساده و کم حجم استفاده کنید. از خوردن مواد قندی سالم از جمله خرما و عسل ترجیحاً همراه با شیر یا آب ولرم در آغاز افطار غافل نشوید. حدود نیم تا یک ساعت بعد از افطار هم شام میل کنید، که ترجیحاً غذاهای حاوی غلات و حبوبات پایه غذاهای این وعده باشد. خوردن غذاهای ساده‌ای مثل آبدوغ‌خیار یا نان و پنیر و سبزی همراه با گردو نیز برای شام مفید است.

گرسنگی رو کمتر احساس کنید. حدود دو ساعت پیش از افطار، برای مطالعه عمیق و فراگیری مطلب، زمان مناسبی نیست ولی در صورت تمایل، می‌توانید به صورت مطالعه روزنامه‌ای، مطالب نسبتاً سبک را بخوانید.

همچنین ساعات پس از افطار زمان مناسبی برای مطالعه محسوب می‌گردد؛ پیشنهاد می‌شود که حدود یک ساعت پس از صرف افطار مطالعه خود را آغاز نمایید. ضمناً به هیچ وجه خواب شبانه را نباید حذف کنید چون اختلال خواب باعث کاهش تمرکز و به هم خوردن حرکات نرمال دستگاه گوارش و سوءتغذیه خواهد شد، این امر باعث افزایش سطح استرس نیز می‌شود.

آخرین توصیه‌ای که برای دانشجویان می‌شود این است که از هم اکنون نسبت به امتحانات برنامه‌ریزی داشته و مطالعات مربوط به امتحانات را آغاز نمایند تا در ایام امتحان فشار و استرس کمتری متحمل شده و با فراق خاطر از فیوضات ماه مبارک رمضان بهره‌مند گردند.

ترجیحاً شبها ترکیبات کافئین‌دار مثل قهوه و نوشابه و همچنین غذاهای آماده مصرف نکنید. این قبیل غذاها ضمن داشتن مواد نگهدارنده مضر و ایجاد ناراحتی گوارشی در صورت مصرف مکرر، باعث اضافه وزن و افزایش دفع مایعات بدن و اختلالات خواب خواهند شد. همچنین از مصرف نمک زیاد خودداری کنید، چون نمک سبب دفع مایعات از بدن و احساس تشنگی در ساعات روز خواهد شد.

توصیه‌هایی برای مطالعه کارآمدتر در ماه مبارک رمضان

بهترین ساعات مطالعه در این ماه سحر تا چند ساعت قبل از اذان مغرب می‌باشد. سعی کنید تا ظهر نهایت استفاده را از زمان ببرید و بعد از ظهر فشار کمتری به مغز بیاورید چون سریعاً قند خون مصرف شده و ساعات منتهی به افطار برای شما قابل تحمل نخواهد بود. بعد از مطالعه می‌توانید استراحت کنید و چند ساعتی بخوابید که هم کمبود خواب شب رو جبران کنید و هم

وعده سحر غذاهای آب پز و بخارپز، برنج و خورش‌های کم‌چرب است.

افطار را سبک و حاوی مواد قندی ساده و کم حجم استفاده کنید. از خوردن مواد قندی سالم از جمله خرما و عسل ترجیحاً همراه با شیر یا آب ولرم در آغاز افطار غافل نشوید. حدود نیم تا یک ساعت بعد از افطار هم شام میل کنید، که ترجیحاً غذاهای حاوی غلات و حبوبات پایه غذاهای این وعده باشد. خوردن غذاهای ساده‌ای مثل آبدوغ‌خیار یا نان و پنیر و سبزی همراه با گردو نیز برای شام مفید است.

بهترین زمان برای تامین آب بدن در ماه رمضان فاصله بین افطار تا حوالی نیمه‌شب می‌باشد. در این فاصله با خوردن تدریجی آب، چای کم‌رنگ، آب‌میوه و میوه‌های آبدار، آب مورد نیاز بدن را در طول روز تامین نمایید. خوردن میوه‌های آبدار از جمله هندوانه و خربزه در این ساعات توصیه می‌شود. چای حتماً کم‌رنگ میل کنید تا باعث دفع بیش از حد مایعات از بدن نشود.

بایستی در وعده‌ی سحری تامین شود به هیچ عنوان این وعده را حذف نکنید. سعی کنید با توجه به آماده بودن یا نبودن سحری، زمان بیدار شدن خود را به گونه‌ای تنظیم نمایید که فرصت کافی برای صرف نمودن سحری با آرامش داشته باشید. هر چه آرامتر غذا بخورید از ورود یکباره مقدار زیادی غذا و مایعات به معده و تجمع آنها جلوگیری می‌کنید و هضم غذا نیز راحت‌تر خواهد بود.

بهرتر است برای وعده‌ی سحری از یک برنامه غذایی کامل که حاوی پروتئین، کربوهیدرات و چربی مناسب باشد استفاده کنید. توصیه می‌شود سحری مانند یک وعده غذایی ناهار باشد. مواد پرچرب و سرخ کردنی مانند کوکوسبزی و کوکوسیب‌زمینی، کنتل، گوشت‌های سرخ شده، ماهی سرخ‌شده، فست‌فودها، سوسیس و کالباس، غذاهای ادویه‌دار و انواع سس‌ها در این وعده کمتر استفاده شود چون گوارش را دچار مشکل خواهد کرد. یکی از بهترین انتخاب‌ها برای

پادشاه سلامت

جواد بهروزی

دانشجوی دکتری ژنتیک
پزشکی دانشگاه تربیت مدرس

روزه‌داری علاوه بر آثار و فواید معنوی که بر روح انسان دارد دارای اثرات جسمی مفید بسیار زیادی نیز می‌باشد. با توجه به مصادف شدن ماه مبارک رمضان با ایام امتحانات، شاید این باور غلط در بین برخی از دانشجویان وجود داشته باشد که امکان مطالعه و درس خواندن کارآمد در شرایط روزه داری ممکن نیست. ولی در صورتی که روزه داری و مطالعه مطابق با اصول صحیحی انجام بگیرد امکان مطالعه کارآمد همراه با روزه داری و بهره مندی از فیوضات این ماه مبارک وجود خواهد داشت.

توصیه‌هایی برای تغذیه صحیح در ماه مبارک رمضان
از آنجایی که بیشترین انرژی بدن

دانستنی‌های تغذیه در ماه رمضان

نیز بسیار مناسب است. در مجموع توصیه می‌شود که ویژگی‌های غذایی مصرفی در وعده افطاری مشابه غذای مصرف شده در وعده شام باشد. البته مصرف دو وعده افطاری سبک مشکل خاصی را برای فرد ایجاد نمی‌نماید. بهتر است از مصرف آب سرد و یا آب میوه‌های سرد و شیرین در شروع افطار اجتناب شود.

سحر

خصوصیات و ویژگی‌های وعده سحری بهتر است مشابه وعده ناهاری باشد تا از ایجاد گرسنگی در طول روز پیشگیری شود. توصیه می‌شود که همه گروه شش گانه غذایی در وعده سحری مصرف شود.

بهرتر است موارد ذیل در وعده سحری رعایت شود:

- ۱- مصرف چای زیاد در وعده سحر به دلیل افزایش دفع ادرار منجر به ایجاد تشنگی می‌شود.

مواد مغذی یعنی اینکه ترجیحاً از مواد غذایی استفاده شود که کالری کمتر و مواد مغذی بالاتری برخوردارند. بعنوان مثال، دریافت زولبیا، بامیه، شیرینی‌جات و آب میوه‌های شیرین که کالری بالا و مواد مغذی کمی دارند، باید به حداقل رسانده شود. در مجموع در ایام ماه مبارک رمضان توصیه می‌شود همانند ایام غیر روزه‌داری، ۲-۳ وعده غذای اصلی و ۲ میان وعده صرف شود.

افطار

بهرتر است وعده افطاری با یک لیوان آب جوش یا چای کم‌رنگ به همراه یک عدد خرما شروع شود. بعد از چند دقیقه، مصرف غذاهای سبک و مختصر که حاوی گروه‌های مختلف غذایی از جمله شیر و لبنیات، میوه، سبزی، نان و غلات باشد مناسب می‌باشد. مصرف نان، پنیر و سبزی که یکی از عادات غذایی ایرانیان می‌باشد

پادشاه سلامت

آرینا ظهیری

دانشجوی دکتری آموزش
په‌داشت و ارتقای سلامت
دانشگاه تربیت مدرس

در ماه مبارک رمضان مانند سایر اوقات، باید سه اصل کلی در تغذیه سالم "تنوع، تعادل و کالری (دانسیته) مواد مغذی" را رعایت نمود. "تنوع" یعنی استفاده از گروه‌های شش گانه اصلی غذایی شامل شیر و لبنیات، سبزی‌ها، میوه‌ها، گوشت‌ها و روغن و چربی‌ها. "تعادل" به معنی مصرف کافی و منطقی گروه‌های مختلف غذایی، به طوری که از کم خوری و پر خوری پرهیز شود. به عنوان مثال یک فرد سالم، روزانه به ۲-۴ واحد میوه نیاز دارد. بنابراین مصرف بیشتر از مقدار ۴ واحد به خصوص صیفی‌جات منجر به افزایش کالری دریافتی می‌شود. "دانسیته



منطقی نمی‌باشد.

- ۵- مصرف نمک زیاد در وعده سحر به دلیل تحریک تشنگی در طول روز مناسب نمی‌باشد.

- ۶- مصرف زیاد غذاهای پروتئینی در وعده سحر به دلیل افزایش دفع ادرار و تحریک نمودن تشنگی، مناسب نمی‌باشد.
- ۷- غذاهای پرچرب باعث ایجاد تشنگی در طول روز می‌شود. توصیه می‌شود که غذای مصرفی در وعده سحر کم چرب و کم روغن تهیه شود.

- ۲- مصرف شیرینی زیاد در وعده سحر به دلیل افزایش ترشح انسولین باعث افت قند در طول روز شده و می‌تواند گرسنگی را به دنبال داشته باشد.

- ۳- مصرف مناسب و منطقی سبزی و میوه در وعده سحر، علاوه بر تامین مواد مغذی مورد نیاز روزانه، به دلیل دارا بودن فیبر و آب کافی از گرسنگی و تشنگی فرد در طول روز جلوگیری می‌کند.

- ۴- مصرف آب زیاد در وعده سحری به منظور بیم از تشنگی در طول روز، علمی و



سید محمد موبدیان

کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی
دانشگاه تربیت مدرس

نعل وارونه



چند روز پیش رفتم سمت آب انبار تا از اونجا، کل روستا و محله مون رو ببینم. بالای خیشخان^{۱۲} که رسیدم دوربین دوچشمی رو از توی کوله درآوردم و شروع کردم به دیدن. آخه اونجا بلندترین جای روستاست، همین طور که قشنگی روزهای آفتابی اردیبهشت رو نگاه می کردم لنز افتاد روی یک سردر بزرگ خشتی که با قوس بزرگ ساسانی و رنگ قرمز آجریش، از توی دوربین خیلی ابهت داشت! سرم رو گردوندم سمت پایین؛ به نگاه به گنبد خشتی جمع و جور آب انبار انداختم و دوباره از توی دوربین، سردر رو نگاه کردم. نه... واقعا از این دور ابهت داشت! اما نمی دونم چرا قوس زیرش رو که دیدم ناخودآگاه یاد ماجرای "نعل وارون" افتادم! برام جالب شد. لنز رو آوردم پایین تر. دیدم چند نفر با هیبت قزلباش ها زیر سردر و ایستادن و جواز ورود آدمها رو واری می کنن. اصلا هم شوخی نداشتن! آگه خدای نکرده کسی جوازش، ناقص یا دلیلیش، مشکوک بود؛ اون وقت... اصلا بی خیال، مگه ما فضول کارهای مردمیم؟! داشتم می گفتم؛ تو فکر نعل وارون بودم که یکهو خندم گرفت. آخه اونهایی که از زیر سردر رد می شدن انگار داشتن از توی قیف رد می شدن! البته از طرف باریکش... مثل "قیف وارون" بعضی هاشون برای این که از اون سردر رد بشن چه تلاش تقلاها که نمی کردن! اما همین که از اون سردر رد می شدن... دیگه کسی کاری به کارشون نداشت! نه سوال پرسشی... نه جواز مجوزی... نه حال احوالی...

نقاب کلاه رو آوردم پایین تر تا آفتاب چشمم رو نزنه. به کم با خودم فکر کردم. نمی دونم؛ شاید هم این سردر مال یکی از قیف های وارونه محله مون باشه. آخه ما قبلا تو محله به چیزی داشتیم به اسم "مکتب خونه" که آدمها خیلی راحت می رفتن اونجا و از علم مکتب دارها و محتوای کتابها چیز یاد می گرفتن و در موردش فکر می کردن؛ تا خودشون بتونن کتابهای بهتری بنویسن و بقیه برن کتابهای اونها رو بخونن و فکر کنن و کتابهای بهتری بنویسن و همین طور بره جلو تا همه بتونن بخونن و فکر کنن و بنویسن. اما از اون دوره ای که مکتب خونه ها تعطیل شد؛ بعضی ها گفتن باید "مدرک خونه" باز کنیم. در اصل، مدرک خونه مال طرف محله ای "حسین آپشن" اینها^{۱۳} بود. خداییش خیلی هم به محله شون کمک کرده بود. یعنی به قول خودشون رشدشون به خاطر همین قضیه بود. برای همین هم هست که خیلی ادعاشون می شه. پس ما هم گفتیم آگه مدرک خونه بزنینم حتما اوضاعمون بهتر می شه. مدرک خونه زدیم؛ اما اون طورها که فکر می کردیم نشد! آخه مدرک خونه ای ما جایی بود که آدمها به سختی می اومدن توش و به جای کتاب، پیش مدرک دارها درس می خونن! بعدش به جای فکر کردن، درس هاشون رو پس می دادن و در

عوضش مدرک می گرفتن! آخرش هم به جای کتاب نوشتن، وامیستانن تا تو محله ای خودمون یا محله ای حسین آپشن اینها به کاری گیر بیان! این شد که بعضی ها گفتن: مدرک خونه خوبه هـ... اما شده مثل قیف وارونه؛ باید به کاری بکنیم! هر کسی به چیزی گفت. یکی گفت قیف رو برگردونیم؛ یکی گفت لوله اش رو ببریم؛ یکی گفت به جاش خمره بذاریم؛ یکی دیگه گفت اصلا قیف می خوایم چیکار؟ به وضعی شده بود که نگوا! اصلا بی خیال؛ مگه ما فضول کارهای مردمیم؟! کنجکاو شدم ببینم پشت این سردر چیه. لنز رو گردوندم. به جده ای^{۱۴} دراز دیدم که توش پر درخت و علف و سرسبزی بود؛ اما همون آدمهایی که از اون سردر با شور و تقلا رد می شدن، به جوری توی این جده راه می رفتن که انگاری از خروس خون رفتن سر کله و پنج شیش خورار سوخت جمع کردن، آوردن سر بئه! بعضی هاشون که اصلا انگار تو این دنیا نبودن؛ به جوری تو خودشون غرق شده بودن که من رو یاد یارعلی، پسر کوچیکه ای می شناسم خدا بیامرز می نداختن! آگه بدویند اون موقع که افتاد تو حوض خونه ای شهرام بزخر؛ چطوری آروم آروم رفت ته حوض! بنده خدا هیچ دست و پای نذا! انگار همین که افتاد توی حوض، مرد! با اون چشمهای قهوه ای درشتش همین طور از زیر آب به من نگاه می کرد و از دماغش حباب ریز می اومد بیرون و خودش می رفت ته آب... من هم که کل قدم به زه^{۱۵} بیشتر نبود؛ کاری از دستم بر نمی اومد... فقط می تونستم نگاهش کنم... خدا بیامرزتش؛ می خواست از آب، ماهی گلی بگیره برای

گل پونه... آخه گل پونه، دختر عموش، ماهی گلی خیلی دوست داشت... یارعلی هم گل پونه رو... شاید آگه می دونست اون حوض شیش زر عمق داره گول قدیه زر و چارک خودش رو نمی خورد! بیچاره پونه... بیچاره یارعلی... چند دقیقه ای دوربین رو گذاشتم لب خویشتان و سرم رو گردوندم سمت قبرستون محله... گل پونه رو بالاسر یارعلی خاک کردن... مثل اون موقع که می رفت رو دوش یارعلی تا آلبالو بچینه... دوباره دوربین رو برداشتم تا اونها رو ببینم. آره... بعضی هاشون بدجوری داشتن غرق می شدن؛ با چشم باز؛ خیلی آروم؛ شاید گول قدشون رو خورده بودن؛ شاید هم... اصلا بی خیال؛ مگه ما فضول کارهای مردمیم؟! همین طور که داشتم جده رو با دوربین گز می کردم، چشمم افتاد به پنجره ای به اتاق که چند نفر توش دور کرسی نشسته بودن. چندتا شون شبیه مکتب دارها بودن و چندتا شبیه مدرک دارها! برام جالب شد. شروع کردم به لب خونی. هر کسی به چیزی می گفت: نه خیر... من بنده مخالفم! این یکی، روزها میره سر مرزعه ای کل احمد؛ چطور می خواد بیاد مدرک بگیره؟! حالا تو این اوضاع، دختر بی بی لیلیا با بچه ای شیرخوره دیگه چرا اومده مدرک خونه؟! آره... این نوه ای اسماعیل قصاب هم به پسر من نه گفته؛ حالا پا شده اومده پشت این در تا راهش بدیم برای مشافیه^{۱۶}! این حرفها چیه! چرا دارید قضاوت بیجا می کنید؟ ای آقا... کار ما الان مثل کار غلام کافوره... کاری به قیافه ای طرف نداریم... فقط می شوریم... سیاقی درسی این یکی بد نیست اما هفته ای پیش

براش شیرینی خوردن! ببینم... این پسره همونی نیست که سال پیش با قاطرش رفت توی لته ای^{۱۷} من! آخه این چیزها چه ربطی به مدرک خونه داره؟! ... نفهمیدم موضوع بحث دقیقا چی بود اما بغل اون اتاق، به سالن بزرگ دیدم که ته نداشت! توش لول می زد از جیونهای محله که هم خوشحال بودن و هم مضطرب؛ انگار وایستاده بودن تا نوبتشون بشه. اومدم برگردم به اتاق اولی که نگاهم افتاد به خونه ای پشتی. به بابا بزرگ لب ایوون حیاط وایستاده بود، به آفتاب زل زده بود و داشت گلوش رو می خاروند تا عطسه کنه! همین که بابا بزرگ عطسه کرد، دندونهای عاریشه دو قبضه افتاد بیرون و خورد لب حوض و قل خورد تو باغچه! خنده ام ترکید. شروع کرد به غرغر کردن که زنش از توی پنجره ای داد زد: مش هاشم! چرا با دندونهای من اینطوری می کنی؟ آگه راست می گی می خواستی دندونهای خودت رو گم و گور نکنی تا دندونهای من تو دهن ت لقی نزنه! بابا بزرگه: آفتاب دندونها رو شل کرده و گرگنه دندون، دندونه! مال من و تو نداره! پیرزن: آره... کلاغه می خواست راه رفتن کبکه رو یاد بگیره... بابا بزرگه: آره... آره... جارو به دمیش می بست! پیرزن: نه خیر... دم باد هم می خوابید! اصلا بی خیال؛ مگه ما فضول کارهای مردمیم؟! من که درست نفهمیدم قضیه ای اون اتاق و سالن کناریش چی بود! اما اتفاقا هاش خیلی جالب بود که شاید بعدا براتون تعریف کنم. فقط همین قدر بگم که این قضیه ای "مکتب خونه" و "مدرک خونه" شده مثل همون ماجرای حق آبه و این آب

انبارهای ریز و درشت محله! آخه ما این همه آب انبار رو ول کردیم و چسبیدیم به حق آبه ای نداده! نمی دونم چرا عادت داریم جوجه های خودمون رو ول کنیم، بریم دنبال خروس همسایه و بعدش هم به چه کنم چه کنیم بیفتیم! تا پادم نرفته این رو هم بگم. چند سال پیش، به دزد زد به آسیاب ایوب پهلان و هر چی گندم آرد کرده بود دزدید. هر چقدر گشتن نتونستن رد دزده رو بزنی! حتی تا چند تا روستا هم رفتن اما فایده ای نداشت. تا این که عباس رزق رو آوردن. تا رد پای اسب دزده رو دید، گفت: بدجوری هچل خوردین! طرف این کارهست! "نعل وارون" زده به اسبش! همه گفتن: نعل وارون دیگه چه سیغه ای؟! گفت: وقتی نعل اسب رو وارونه بزنی، زدنش رو نمی شه گرفت. اسبه از اون طرفی رفته؛ شما فکر می کنید از اون طرفی اومده... مگه این که راه رفتن اسبه رو پاییده باشید! اصلا بی خیال؛ مگه ما فضول کارهای مردمیم... هر چند هنوز نمی دونیم مدرک خونه هامون دقیقا چیه؟ "قیف وارون" یا "نعل وارون"؟! ...

(پی نوشت)

۱. یادگیر آب انبار
۲. رجوع شود به "ماهنامه چشمه، سال سوم، شماره ۳۲، اسپندماه ۱۳۹۴"
۳. جاده-مسیر
۴. زرع (۱۰۴ سانتی متر)
۵. صحبت شفاهی-مصاحبه
۶. کشتزار

تو فکر نعل وارون بودم که یکهو خندم گرفت. آخه اونهایی که از زیر سردر رد می شدن انگار داشتن از توی قیف رد می شدن! البته از طرف باریکش... مثل "قیف وارون" بعضی هاشون برای این که از اون سردر رد بشن چه تلاش تقلاها که نمی کردن! اما همین که از اون سردر رد می شدن... دیگه کسی کاری به کارشون نداشت! نه سوال پرسشی... نه جواز مجوزی... نه حال احوالی...





پایان نامه‌ی یک رو یا دو رو، مسئله این است!



نسرین شکوه فر

دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی معدنی
دانشگاه تربیت مدرس

انتشارات، پایان نامه، برگه و پرینت. این روزها این اسامی تند تند پشت سر هم در ذهنم رژه می‌روند. کم کم کار نوشتن پایان نامه رو به اتمام است و چاپش پیش رو! در آیین نامه‌ی دانشگاه آمده که پایان نامه به صورت یک رو پرینت گرفته بشه.

اما یکی هم نیست از این بین صدایش رو به بالا پرسونه که آهای چرا یک رو؟! حالا پشت برگه‌ها سفید نباشه فرقی می‌کنه؟! زمین به آسمون می‌رسه؟! اصلاً بذارید یه داستان جالب براتون بگم؛ یه دانشجویی مزیت پروژه‌اش حفظ محیط زیست بود، کلی هم مطلب آورده بود که من فلان ماده را ساختم که جلوی قطع شدن درختان را بگیرم و به محیط زیست کمک کنم و از این حرفا، بعدشم یک پایان نامه‌ی تپل، بصورت پرینت گرفته‌ی یک رو دستش بود؛ وقتی بهم گفت موضوعش چیه، خنده‌ام گرفت، بهش گفتم آخه

رفیق تو که الان با همین پایان نامه‌ها باعث شدی درخت‌های بیشتری قطع بشن! اینم نقض غرض حالا محیط زیست که هیچ، لق لقه‌ی زبان است؛ آخه هزینه‌ی چاپ یک رو هم بیشتر است، بابا تعارف که نداریم همه‌ی ما دانشجوییم خب، تو این دانشگاه هم که اگه خدایی نکرده یک کار نیمه وقت هم داشته باشی و باد به گوش اساتید پرسونه دیگه واویلاست! بی خود و بی جهت هزینه اضافی می‌دارند رو دست آدم بیکار، عجب! یک دوستی از دانشگاه تهران می‌گفت استادشون اصلاً پایان نامه‌ی کاغذی

نمی‌گیره و میگه باید حتماً فایل پی‌دی‌اف براشون ارسال بشه. یکی از دوستان هم دل رو زده بود به دریا و پایان نامه را دو رو چاپ کرده بود، استاد بزرگوارشون هم سر دفاع نه گذاشته و نه برداشته یهو با تمسخر برگشته گفته: «از این به بعد پایان نامه‌هاتون را نه یک رو بنزید و نه سیمی کنید... اینا که به درد ما نمی‌خوره!» حالا اینکه این دانشجوی بیچاره چند سال از بهترین سالهای عمرش رو صرف این پایان نامه کرده است، دیگر بماند! حالا اینا همه به کنار، تازگی‌ها

یک سری مطلب خوندم در مورد قانون paperless که به موجب آن هر دانشگاهی که از کاغذ کمتری در پژوهش‌هاش استفاده کنه رتبه‌ی علمی بهتری در رنکینگ جهانی می‌گیره. بابا خب مگه دانشگاه دنبال همین نیست؟! والا خدا زده پس گردنشون بالاخره یه قانون دادند که هم به درد دانشگاه می‌خوره هم دانشجو، حالا چرا بهش توجه نمیشه و چه جوری باید من دانشجو پیگیری کنم رو دیگه لطفاً مسئولین پاسخگو باشند



سوسن سامانی فر
دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری
دانشگاه تربیت مدرس

واکنش بسیج دانشجویی دانشگاه به نمایش یک فیلم

است که هر ساله این روز را به یاد دارد و مردم و مسئولین همواره غافل از سپری شدن این روزها هستند. گاهی آنقدر غافل هستند که نه تنها خاطره این روز را برای دیگران تداعی نمی‌کنند، بلکه مسبب فراموشی آرمان‌های این روز هم می‌شوند. در باورهای ما، ناموس نماد خاک یک سرزمین می‌باشد. آیا فروش شخصیت زن در این فیلم به یک غیرایرانی چیزی جز فروش وطن را در ذهن بیننده تداعی می‌کند؟ آنچه به وضوح در جای جای فیلم می‌توان دید، نظام از هم گسیخته‌ی خانواده است که کارگردان بسیار سعی کرده تا این خانواده را نمادی از یک جامعه امروز ایرانی معرفی کند. آیا این فیلم چیزی غیر از فروش و به بیغما دادن این کشور به بیگانگان برای برون رفت از مشکلات اقتصادی را تداعی می‌کند؟ سرزمینی که پانزده خرداد برای استقلال آن از دست بیگانگان شکل گرفت.

در پایان از مسئولان دانشگاه‌های کشور بالاخص دانشگاه تربیت مدرس به عنوان مولود انقلاب اسلامی انتظار داریم در پاسداشت ایام الهی چون ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی، قیام پانزده خرداد، دهه فجر، ۹ دی، و دیگر مراسم‌های مهم کشور اهتمام بیشتری به خرج دهد.

بسیج دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس در بیانیه‌ای خطاب به مدیران دانشگاه نسبت به نمایش یک فیلم همزمان با سالگرد رحلت امام خمینی (ره) و پانزده خردادماه واکنش نشان داد. در بخشی از این بیانیه آمده است: پانزدهم خرداد ماه، یادآور خون‌های به ناحق ریخته شده‌ی بسیاری از مردم سرزمین ایران است. غم این روز هرگز از خطوط چهره‌ی ایران سسته نخواهد شد. ۲۶ سال بعد، در چهاردهم خرداد ۶۸ خط دیگری از غم؛ بر پیشانی این سرزمین افتاد و این بار این مردم بودند که با خود عهد کردند تا هیچگاه این مصیبت عظمی را به فراموشی نسپارند.

اما چرا در تاریخ ایران باید روزی به مانند پانزدهم خرداد سال ۴۲ رقم بخورد، ملت ایران به دنبال چه هدفی و در فکر کدام آرمانی جلوی تیر سربازان ایستادند و با خون خود خیابان‌ها را شستند؟ آیا برای استقلال کشور نبود؟ آیا انگیزه‌ی مردم چیزی جز غیرت اسلامی ایرانی بود؟ اکنون وظیفه‌ی فرهیختگان جامع چیست؟ جز تبیین خاستگاه مردمی نبود که این انقلاب با خون‌هایشان آبیاری شده است؟ جز این است که لاقول در سالگرد این روز دانشگاه‌ها مأمون تبلیغ این اراده و این تفکر باشند؟ افسوس، اما افسوس از اینکه تنها تقویم

ویژگیهای دانشجویان تربیت مدرس از نگاه دکتر احمدی
انگیزه قوی، هدفمندی و روحیه جستجوگری

حفظ شده و توسعه یابند. با وجود دانش آموختگان برجسته‌ای که پردیس‌ها داشته‌اند و همچنین به دلیل نیاز جامعه، برای جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های کشور باید به پردیس‌های دانشگاهی توجه کرد.

دکتر جلالی در ادامه تصریح کرد: راه اندازی پردیس دانشگاهی تربیت مدرس با انگیزه توسعه علم و پاسخگویی به علاقه و نیاز جامعه صورت گرفت و هیچگاه بحث اقتصادی مطرح نبود. دانشجویان پردیس با علاقه، انگیزه و هدف دست به انتخاب زدند و اطمینان دارم با تلاش و توانمندی که در وجود یکایک دانش آموختگان است، ادامه تحصیل در مقطع دکتری برای شما سخت و دور از دسترس نیست. دانش آموختگان پردیس دانشگاهی استاندارد دانشگاه تربیت مدرس را دارا هستند و به لحاظ آموزشی استانداردهای ما در دوره‌های روزانه، نوبت دوم و پردیس یکسان بود.



خود به تحصیل پاسخ می‌دهند و کاملاً هدفمند وارد دانشگاه می‌شوند این انگیزه گاهی در بین دانشجویان دولتی دیده نمی‌شود.

دکتر احمدی در پایان تصریح کرد: تجربه پردیس در ابتدا محدود و با رشته‌های معدود انجام شد تا ارزیابی لازم از توانمندی دانشجویان بدست آید و برای دوره‌های آتی برنامه ریزی شود. هم اکنون ۱۳ دانشگاه برتر کشور با وزارت علوم به این جمع بندی دست یافته‌اند که پردیس‌های دانشگاهی باید

در ابتدای این گردهمایی که در دانشگاه برگزار شد، دکتر احمدی بیان داشت: آنچه من و اساتید دانشگاه در مواجهه با دانشجویان پردیس دیدیم انگیزه قوی آنان برای تحصیل و هدفمندی و روحیه جستجوگری آنان بود. عشق به تحصیل در وجود دانشجویان موج می‌زد و با همین روحیه بر مشکلات موجود و سخت‌گیری‌های اساتید فائق آمدند. دانشجویان پردیس با پذیرش هزینه‌های شخصی و بدون پشتیبانی سوبسیدهای دولتی تنها با انگیزه بالا به علاقه و نیاز

مراسم غبارروبی مسجد قدس دانشگاه تربیت مدرس



در هفته تکریم مساجد، مراسم غبارروبی مسجد قدس دانشگاه تربیت مدرس از سوی دانشگاهیان برگزار گردید. حاضرین در این مراسم نورانی و معنوی با ذکر صلوات و سلام بر ماه مبارک رمضان، با استفاده از دستمال‌های معطر به گلاب ناب اقدام به غبارروبی مسجد نموده و شرایط لازم را برای برگزاری مراسمات مختلف در طول ماه مبارک رمضان آماده نمودند.

هیأت علمی دانشگاه در میان برگزیدگان جایزه ملی محیط زیست



محیط زیست شد. گفتنی است جایزه ملی محیط زیست در سال ۷۹ با مصوبه شورای عالی محیط زیست در راستای حمایت از کسانی که کار ارزشمندی در حوزه محیط زیست انجام داده‌اند، شروع به کار کرده و در ۵ بخش برگزار می‌شود.

برگزیدگان یازدهمین جایزه ملی محیط زیست با حضور معاون اول رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، معرفی شدند. دکتر یوسف حجت دانشیار دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه موفق به دریافت جایزه بخش اشخاص و متخصصان صاحب نام

دکتر جلالی در میان برترین‌های ژنتیک



جورانی عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی و معاون آموزشی دانشگاه به عنوان چهره‌تأثیرگذار ژنتیک شناخته شد.

نشریه چشمه کسب عنوان چهره تأثیرگذار ژنتیک را به دکتر مختار جلالی جورانی تبریک عرض می‌نماید.

جایزه ملی ژنتیک و تندیس ویژه به ده نفر از چهره‌های تأثیرگذار، پژوهشگران و محققان برتر حوزه‌های مختلف علم ژنتیک اعطا شد. در مراسم اختتامیه دومین کنفرانس بین‌المللی و چهاردهمین کنفرانس ملی ژنتیک که همزمان با پنجاهمین سال تاسیس انجمن ژنتیک ایران در سالن همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار شد، در بخش چهره‌های تأثیرگذار، دکتر مختار جلالی

تصویب آیین نامه جدید حق التدریس اساتید



و ... ما پیشرفتی نداشتیم. در زمینه تکامل زیستی و سطح استعدادهای بدنی انسان نیز شواهد دال بر عدم تکامل انسان در طول زمان است و نظرات متفاوتی در این خصوص از سوی موافقان بحث تکامل مطرح است.

در ادامه دکتر احمدی رئیس دانشگاه به تصویب آیین نامه حق التدریس اساتید اشاره کرد و گفت: طبق بررسی‌های صورت گرفته دانشگاه‌های

نشست شورای دانشگاه با حضور رئیس، معاونان و روسای دانشکده‌ها در دانشگاه برگزار شد. در ابتدای این نشست حجت الاسلام فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه در سخنانی به نزدیک شدن به ماه مبارک رمضان و آثار و برکات روزه گیری در روزهای طولانی و گرم تابستان اشاره نمود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به ادامه بحث نقد و بررسی نظریه داروین پرداخت و گفت: بحث تکامل که در نظریه داروینیسم مطرح است همواره به این صورت نیست که در طی زمان همه چیز به سمت تکامل پیش برود چه بسا در زمینه‌های مختلف از جمله آرمان‌های اجتماعی و عدالت خواهی، آرمان‌های اخلاقی

برنامه درسی بازننگری شده دوره کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک - ساخت و تولید

خصوص کمیته بازننگری برنامه درسی، سابقه ارائه رشته در دانشگاه تربیت مدرس، سابقه رشته در سایر دانشگاه‌ها، رشته‌های دایر در گروه و طرح موضوع در کمیسیون برنامه ریزی جامع آموزشی و شورای آموزشی دانشگاه پرداخت.

درسی رشته به منظور کارایی بیشتر آن را از جمله دلایل توجیهی این بازننگری عنوان کرد

وی در ادامه به ارائه توضیحاتی در

می‌گذرد، لزوم ارتقای کیفی برنامه درسی و انطباق آن با نیازهای جامعه، بکارگیری منابع جدید درسی و موضوعات جدید علمی و تغییرات در برخی دروس برنامه

مکانیک - ساخت و تولید را مورد بررسی قرار داد. در این نشست دکتر مینایی لزوم بازننگری در برنامه‌های درسی رشته‌هایی که از تاریخ تصویب آنها بیش از ده سال

برنامه درسی بازننگری شده دوره کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک - ساخت و تولید در نشست شورای دانشگاه، مدیر دفتر برنامه ریزی، گسترش و بازننگری، برنامه درسی بازننگری شده دوره کارشناسی ارشد مهندسی

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سردبیر: مرتضی فاضلی
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
دبیر تحریریه: سیامک شادکام
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله
مجرى طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

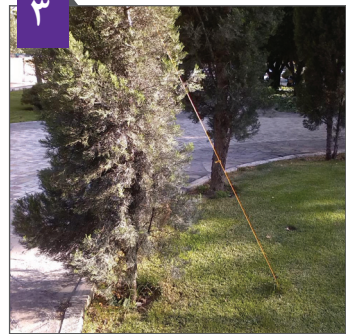
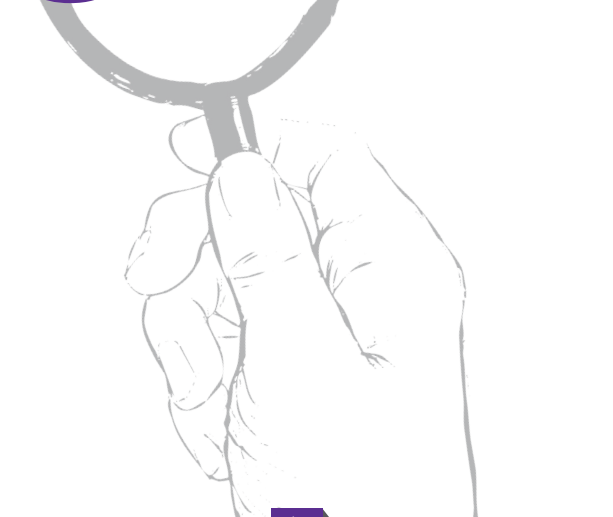


انسان! مثلا همین درخت؛ تنها کاری که از دستش بر او آمده اینه که به پوستر به خودش بزنه برای حمایت از انسان‌ها! واقعا ادم شرمنده می‌شه! صبح تا ظهر که داره اکسیجن تولید می‌کنه برای انسان! بعد از ظهر هم به جای استراحت مشغول کار فرهنگی‌ها!
اشکم در او مد... سه روز تعطیل رسمی!
۹- خوب خدا رو شکر مشکل پارک موتور جلوی بازارچه هم حل شد! کاش همه‌ی مسائل دانشگاه مثل همین قضیه به سرعت حل می‌شد! چقدر ما خوبیم! می‌گن از این چشمه تا اون چشمه فرجه؛ همینه!
۱۰- همسایه‌ها یاری کنید این بنده خدا آشغالش رو ده سانت جلوتر بندازه! به جان خودم دستم صاف می‌کردی تا سطل آشغال میرفت! نیاز نبود زمین رو کثیف کنی دوست جان!
۱۱- باباجان من! نمره خوب نگرفتی یا حقوق رو کامل ندانن چرا این بیچاره رو از زمین کندی! اصلا چطوری کندی؟ بیا برو قویترین مردان و احتمالا زنان شرکت کن!

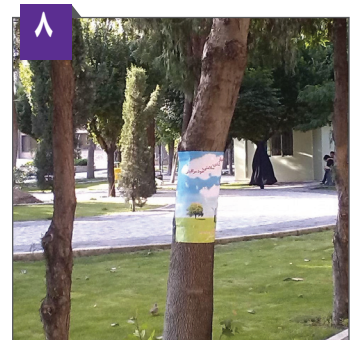
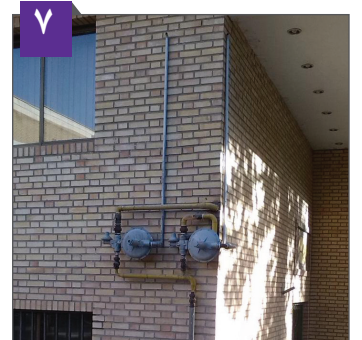
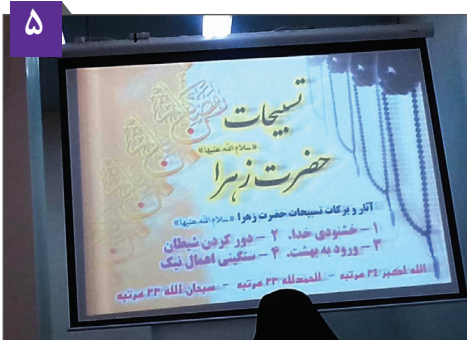
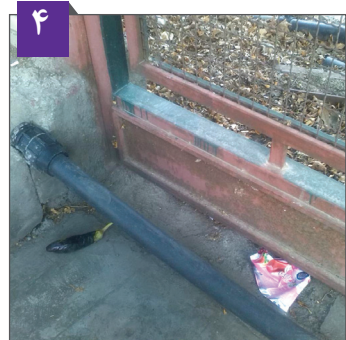
بدمجون پای چشمونت بکارم
۵- هیچ توجه کردین از زمانی که پای این ویدیو پروژکشن به مسجد باز شد حال و هوا ماهه رمضانیه!!!!
۶- لطفا گل‌های اضافه خود را بر سر مزار شهدای نامدار دانشگاه قرار ندهید، شما خوشتون میاد براتون گل اضافه بیارن؟ نکن آقا، نکن خانم، زشته بخدا!
۷- عذر می‌خوام بالای این علمک‌ها دقیقا به کجا میتونه وصل بشه؟ احتمالا اون دانشکده به کسانیکه بعد از سالها جواب آن را پیدا کنند جوایزی اهدا خواهد کرد یعنی اون قدر ما تو دانشگاه خودکفا شدیم که حتی نمی‌تونیم تمام گازهای تولیدی خودمون رو ذخیره کنیم! پس مجبوریم بخشی از اون رو بفروستیم هوا تا انرژی کهری زمین برای چرخشش تامین و بقای حیات انسان تضمین بشه!
۸- واقعا این انسان‌ها به کجا دارن می‌رن؟! چرا به فکر سلامتی خودتون نیستن! راستش آدم لذت می‌بره که می‌بینه طبیعت این قدر به فکر

۱- گزینه صحیح را انتخاب فرمایید.
۱) پاک یادت نره. (۲) محل لی لی بچه‌ها در تربیت مدرس از نوع ضربدر. (۳) اونجا چاهه اینجا چاه نیست. (۴) اونجا چاه نیست اینجا چاهه!
۲- لطفا آرام قدم بردارید. ببیند با این سوسک بینا چه کردید؟ عموم می‌گفت من موندم چرا مردم مورچه‌ها رو می‌کشن آخه چطور دلشون میاد همون لحظه به سوسک رو همچین له کرد که تا سه روز چیزی نمیخورد! آخرشم گفت البت سوسک فرق میکنه!!!
۳- از مثلث خط راستی است که از یک راس مثلث گذشته و آن زاویه را به دو قسمت مساوی تقسیم کند! اگر نیمسازهای سه زاویه مثلث را رسم کنیم این خطوط در نقطه‌ای درون مثلث همدیگر را قطع خواهند کرد. در این صورت زاویه بین طناب و چمن سومی از راست را پیدا کنید (۲ نمره)
۴- خوش آن روزی که ایی در دیارم سراید روزگار انتظارم به نرمی و انکم در را به رویت

ذره بین



۱ سلام لطفا آهسته حرکت کنید. اینجا پره از سوژه‌هایی که دور و برمون می‌بینیم و گاهی راحت و گاهی ناراحت از کنارشون رد میشیم. اما این دفعه از این خبرا نیست. شماها قراره سوژه‌هاتون رو برا ما بفروستید اینجا تا بلکه برسد به جایی و به کسی! دانشگاه پر از این سوژه‌هاست لطفا سوژه‌هاتون رو با ما تقسیم کنید. ارادتمندیم!



پیمانکار! کجا؟ پیمانکار! کی؟ پیمانکار! پیمانکار جان کجایی؟ دقیقا کجایی؟ امور خوابگاه‌ها؟ پیمانکار! (م.ن دانشجوی ارشد همین خوابگاه‌ها)
* چرا وقتی به مهمون میاد باهامون حراست جلو درب نیم ساعت سوالات تخصصی از هرمنوتیک پست مدرن گرفته تا پارادوکس راسل رو میپرسن ازش؟ خب خجالت میکشه آدم. همین که با دانشجو مدرس داره میاد کافی نیست! (ع.ج دانشجوی دکتری دانشکده علوم انسانی)

پیام بدهی از طریق تلگرام دوست داشتنی. ما هم قول می‌دهیم بازتاب دهیم. دشت اول را هم چند نفر از دوستان خودتان فرستاده‌اند... دفعه بعد شما پیام بدهید به مادوستان داریم. اون هم زیاد! خیلی زیاد! * خوابگاه ما (مومن و ابراهیمی) چون توسط پیمانکار اداره می‌شود کلاً مثل جزیره دورافتادگان باهانش برخورد میشه. مثلا سه ماهه از سم پاشی گذشته وقتی میگی بیاد فرشه رو بشورید میگن باید خودتون با پیمانکار حرف بزنید. میگی سیستم‌های خوابگاهمون خرابه میگن پیمانکار! گشمنونه؟

تلگرامیسم!

تلگرامیسم به خاطر ایسم آخرش یک مکتب است. مرید زیاد دارد و تا دلتان بخواد مراد. مبدع هم دارد. موسس را می‌گوییم. فکر نکنید با یک فرقه طرف هستید. نه! اینجا قرار است شماها از طریق چشمه حرف‌هایتان را به گوش فلانی برسانید. راستی مانیسفت این مکتب این است که گوشه‌ای را برداری و به [telegram.me/cheshmehmag](https://t.me/cheshmehmag)

